

پیام به مناسبت روز جهانی قدس / ۱۳۶۹/۰۱/۲۳

آنچه در مدت چهل سال اخیر از سوی رژیم غاصب به کشور و ملت فلسطین وارد آمده، برای تجربه کافی است. کافی است تا ثابت کند که از راه توسل به قدرتهای مسلط عالم و وابستگان آنها در منطقه، هیچ امیدی به نجات فلسطین نیست.

انقلاب بزرگ اسلامی ما نشان داد که کلید حل مشکلات بزرگ، در دست خود ملت‌هاست و اراده‌ی انسان‌هاست که در صورت تکیه به خدا و اعتماد به وعده‌ی الهی، بر تدبیر و خواست قدرتهای مسلط غلبه خواهد کرد. و امروز با حوادثی که در نقاط متعددی از جهان رخ داده، نقش ملتها بیش از پیش به اثبات رسیده است. در برابر درنده‌خویی رژیم صهیونیست غاصب فلسطین، تنها اراده‌ی ملت فلسطین است که می‌تواند بایستد و با مقاومت مردانه‌ی خود، دشمن را به عقب‌نشینی و قبول شکست وادار سازد.

دولت اسرائیل، با اعمال جنایتکارانه‌ی خود در فلسطین و لبنان و بمباران وحشیانه‌ی اردوگاهها و دزدی و آدم‌ربایی و فساد در داخل و خارج مرزهای فلسطین، نشان داده است که به هیچ اصل انسانی و هیچ قانون بین‌المللی پایبند نیست. آنها که گذشته‌ها را فراموش می‌کنند، چگونه می‌توانند جنایات روزمره‌ی صهیونیستها در فلسطین و لبنان را که بی‌وقفه ادامه دارد، نادیده بگیرند؟

خوشبختانه بیداری اسلامی ملت فلسطین، افقهای آینده را تا حدود زیادی روشن کرده است. امروز نسل نوین ملت فلسطین، با نام خدا و تمسک به ایمان اسلامی مبارزه می‌کند و این مبارزه‌ی بسیار امیدبخش است و چنانچه مشهود است، دشمن - چه حکام صهیونیست، چه امریکا و دیگر پشتیبانان اسرائیل و چه خائنکاران منطقه - از این حرکت جدید کاملا سراسیمه و دهشت‌زده است و برای لوٹ کردن و پوشاندن جهت اصلی مبارزه، به هر شیوه‌ی متوسل می‌شود که آخرین آن، همین شعار توخالی و دروغین حمله به اسرائیل است که حکام دست‌نشانده‌ی عراق بر زبان آوردند. همه می‌دانند که رژیم بعثی عراق، سلاحهایی را که از ابرقدرتها گرفته، هرگز بر ضد اسرائیل - که خود در زیر سایه‌ی ابرقدرتها زندگی می‌کند - به کار نخواهد گرفت و از آن، جز در خدمت هدفهای استکبار، یا برای باجگیری از ثروتمندان منطقه استفاده نخواهد کرد.

راه صحیح مبارزه با حکومت غاصب، همان است که امروز خود فلسطینی‌ها آن را یافته و قدم استوار خود را در آن گذاشته‌اند و وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانان است که آنان را در این مبارزه‌ی مقدس یاری کنند. امروزه، هیچ عذری از دولتهای مسلمان در بی‌تفاوتی نسبت به مساله‌ی فلسطین پذیرفته نیست. دولت غاصب، وحشیگری و ددمنشی را به اعلی درجه رسانده و ثابت کرده است که در راه هدفهای توسعه‌طلبانه و خطرناک خود، آماده‌ی دست زدن به هر جنایتی است. قیام اسلامی ملت فلسطین نیز حجت را بر همه تمام می‌کند و نشان می‌دهد که علی‌رغم فشارهای همه‌جانبه‌ی دشمن و غدر و خیانت مدعیان دوستی، نهال مقاومت نشکیده، بلکه ریشه‌دار و پربار نیز شده است. لذا بر همه‌ی ملتها و دولتها واجب است که مساله‌ی اسلامی فلسطین را صادقانه در زمره‌ی مسایل درجه اول خود دانسته و به قدر وسع خود به آن کمک کنند.

اکنون، جمعه‌ی آخر ماه مبارک رمضان که از سوی امام راحل عظیم ما (رضوان‌الله‌علیه) روز قدس نامیده شده، در پیش روی ماست و در این ماه رمضان کاملا مجاور لیالی قدر، باید همانطور که شب قدر را تا صبح به بیداری می‌گذرانیم و با دعا و تضرع خود به درگاه الهی، می‌خواهیم که آینده‌ی مطلوب برای ما رقم زده شود، روز قدس را و همه‌ی این ایام حساس را که لیل‌القدر تاریخ اسلام است، به بیداری و هشیاری بگذرانیم و تا مطلع الفجر نجات ملتهای مسلمان و مخصوصا ملت شجاع و مظلوم فلسطین، دست از تلاش نکشیم.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین / ۱۳۶۹/۰۹/۱۳

می‌توان گفت که این جلسه، مهمترین مساله‌ی جهان اسلام را در دستور کار خود قرار داده است. تحقیقا امروز در زندگی مسلمان و در آفاق اسلامی، هیچ مساله‌ی به اهمیت و خطورت مساله‌ی فلسطین نیست. بیش از چهل سال است که بتدریج مسلمان را با غصب بخشی از خانه‌ی خودشان عادت داده‌اند. فقط غصب خانه‌ی مسلمان نیست؛ بلکه قضیه بالاتر از این است. مساله این است که دشمنان جهانی اسلام، بخشی از خانه‌ی مسلمان را برای حمله به صفوف مسلمان و برای مبارزه با خواسته‌ها و حرکات آنها، سنگر قرار داده‌اند.

متأسفانه در دنیا اسلام، آن کسانی که امکانات در دستشان بوده و می‌توانستند درباره‌ی این مساله تصمیم‌های موثری بگیرند، آن را در زاویه‌ی فراموشی - ولو نه به لفظ، اما در باطن امر - قرار دادند. ما اگر به خود بیاییم، خواهیم دید که این بزرگترین بلایی است که در دوره‌های اخیر، بر مسلمان نازل شده است. حکم اسلامی این قضیه، واضح است. احدی از مسلمان، درباره‌ی حکم منطبق بر قضیه‌ی فلسطین، تردید ندارد. این، همان مساله‌ی است که در تمام کتب فقهی - که بحث جهاد در آن مطرح شده - آمده است. اگر کفار بیایند و بلد مسلمان را تصرف یا احاطه کنند، هیچک از فقهای مسلمان - قدیم و جدید - در وجوب عینی جهاد در این مورد، تردید نکرده است. همه‌ی مذاهب اسلامی، در این معنا هم‌عقیده هستند. جهاد ابتدایی، واجب کفایی است؛ اما در غیر این مورد، جهاد دفاعی که اظهر مصادیق دفاع هم هست، واجب عینی است.

مساله‌ی بی‌این وضوح و با این اهمیت، امروز در دنیا اسلام، مثل یک مساله‌ی درجه‌ی دو مورد توجه قرار می‌گیرد. البته گناه اول، به عهده‌ی روسای مسلمان است. اگر زعمای مسلمان و روسای کشورهای اسلامی، متحد و جدا بر استنقاد فلسطین تصمیم بگیرند، خواهند توانست.

در مساله‌ی فلسطین، آنچه که هدف است، استنقاد فلسطین است؛ یعنی محو دولت اسرائیل. فرقی بین سرزمینهای قبل از سال ۶۷ و بعد از آن نیست. هر یک وجب از خاک فلسطین، یک وجب از خانه‌ی مسلمان است. هر حاکمیتی غیر از حاکمیت مردم فلسطین و حاکمیت مسلمان بر کشور فلسطین، حاکمیت غاصب است. حرف، همانی است که امام راحل عظیم الشان فرمود: «اسرائیل بایستی محو بشود». یهودیهای فلسطین، اگر دولت اسلامی را قبول می‌کنند، در آنجا زندگی کنند. بحث، بحث یهودی‌ستیزی نیست. مساله، مساله‌ی غصب خانه‌ی مسلمان است. روسا و زعمای مسلمان، اگر تحت تاثیر قدرتهای جهانی قرار نداشتند، می‌توانستند این مهم را انجام بدهند؛ ولی متأسفانه نکردند.

امروز، حادثه‌ی بزرگی داخل سرزمینها در جریان است و آن، همین قیام اسلامی است که این روزها وارد چهارمین سال عمر خود می‌شود. این، همان چیزی است که باید فلسطین را نجات بدهد. این، همان چیزی است که حامیان و تولیدکنندگان اسرائیل، از آن می‌ترسیدند. این، همان چیزی است که بدان امید بود و این امید، امروز برآورده شده است. این، یک نعمت بزرگ الهی است.

اگر ما مسلمان، این نعمت را شکر کردیم، باقی خواهد ماند؛ «لئن شکرتم لازیدنکم». اگر به این نعمت کفران ورزیدیم، از دست خواهد رفت. شکر این نعمت به آن است که همه‌ی مسلمان در همه جای عالم، تکلیف شرعی خودشان بدانند که از این مبارزاتی که امروز به نام اسلام مبارزه می‌کنند، حمایت نمایند. امروز، هیچ علاجی جز این نیست.

این حمایت، بایستی وسیع و همه‌جانبه باشد. هم حمایت سیاسی، هم حمایت تبلیغاتی، هم حمایت اخلاقی و هم حمایت نظامی لازم است. هرچه ممکن بشود، لازم و تکلیف است. مسلمان دنیا ببینند، کدامیک از انواع این حمایتها را می‌توانند بکنند. هرچه را که دانستند، تکلیف شرعی آنهاست و از آن نباید تخلف بکنند.

غالبا دو نکته از نظر شعاردهندگان به نام اسرائیل، دور می‌ماند. ما این دو نکته را اجمالا عرض می‌کنیم. یکی از این دو نکته این است که دشمنی با غاصبان اسرائیل، با دوستی با کسانی که پشتیبان همه‌جانبه‌ی غاصبان اسرائیل هستند، نمی‌سازد. این، ممکن نیست. آن کسانی که خیال می‌کنند، از راه امریکا و همپیمانانش می‌توانند فلسطین را نجات بدهند، در اشتباه تاسف‌انگیزی بسر می‌برند. همچنان که از راه دولت اسرائیل نمی‌شود فلسطین را نجات داد، از راه دولت امریکا و همپیمانانش هم نمی‌شود فلسطین را نجات داد. هر حرکتی که به تکیه بر پشتیبانان دولت غاصب منتهی بشود، قطعا یک حرکت انحرافی و یک غلط بزرگ

است. اگر کسی شعار ضدیت با اسرائیل را می‌دهد، اما با همپیمانان اسرائیل در این مساله هم‌صحنی می‌کند و به آنها اتکا می‌نماید، باید دانست که دروغ می‌گوید. چنین چیزی ممکن نیست.

آن کسانی که اسرائیل را تغذیه می‌کنند، در جبهه اسرائیل هستند. آن کسانی که به هر نحوی از انجا به اسرائیل کمک می‌کنند، در جبهه اسرائیل هستند. آن کسانی که با صهیونیستها مذاکره می‌کنند، در جبهه اسرائیل هستند. مبارزه برای استنقاذ سرزمین فلسطین، باید معنای حقیقی مبارزه را داشته باشد. مبارزه، نقطه‌ی مقابل سازش است. در این مساله، سازش خیانت و مبارزه وظیفه است. هیچ‌کس سازش را به حساب مبارزه نگذارد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۰/۰۱/۱۶

بیش از چهل سال است که ملت اسلام نام فلسطین را می‌آورد. مسلمین، متفکران اسلامی، نویسندگان و سیاستمداران، هزاران و هزاران بار گفته‌اند و هزاران نفر در این راه شهید شده‌اند. مگر می‌شود پاره‌ی تن جهان اسلام را همین‌طور در اختیار دشمنان گذاشت که آن را تصرف کنند و ملتی را از خانه‌ی خودش بیرون نمایند. مگر چنین چیزی می‌شود؟ مگر اسلام اجازه می‌دهد؟ مگر ملت‌های اسلامی اجازه می‌دهند؟

در فضای عالم، این جو آمادگی و حضور و انتظار و طلب‌گاری نسبت به فلسطین، باید روزبه‌روز بیشتر بشود. در داخل فلسطین هم باید این شعله‌ی مقدس روزبه‌روز پرافروخته‌تر بشود. آن جوانان، آن زنان و مردان، آن نوجوانان، آن فداکارانی که در داخل فلسطین با رژیم غاصب مبارزه می‌کنند، باید بدانند نقطه‌ی اصلی همان جایی است که آنها بر روی آن انگشت گذاشته‌اند. این، آن‌جایی است که دشمن شکست خواهد خورد. این که سازمانها در خارج از مرزهای فلسطین پشت میزهای مذاکره بنشینند، یا در تریبونها به نام فلسطین خودنمایی کنند، مشکلی را حل نخواهد کرد. پشتیبانی عمومی دنیاک اسلام از بیرون، و مبارزه‌ی واقعی و محسوس ملت فلسطین در داخل، این دو با هم مشکل را حل خواهد کرد و سر دشمن فلسطین را به سنگ خواهد کوبید.

بیانات در دیدار جمعی از آزادگان / ۱۳۷۰/۰۵/۲۸

امروز این قضیه فلسطین، یکی از بزرگترین مسایل و مصایب دنیاک اسلام است و در آینده نیز خواهد بود. مگر شوخی است که ملتی را از خانه و زندگی و کشور و سرزمین خود آواره کنند، غاصب مزدور خیبتی را آن‌جا بنشانند، همه‌گونه به او کمک کنند، همه‌ی جنایات او را صحنه بگذارند، دستشان تا مرفق در خون مردم منطقه فرو برود، به اینها هم قانع نباشند، بخواهند از مسلمانان و از صاحبان خانه امضا بگیرند که این خانه متعلق به آن غاصب است و صاحب‌خانه در آن حقی ندارد؟! می‌خواهند این کار را بکنند.

آیا جوانان غیور فلسطینی مرده‌اند؟ آیا جوانان کشورهای اسلامی هم‌جوار فلسطین و دیگر کشورهای اسلامی مرده‌اند که دشمنان بخواهند بزرگترین مسایل جهان اسلام را این‌طور راحت به سود خودشان و به زیان امت اسلامی حل کنند؟ این چه سکوتی است که امروز در دنیاک اسلام هست؟ تا چند سال قبل از این، مگر کسی در دنیاک اسلام جرات می‌کرد سخن از گفتگو با دولت غاصب اسرائیل بر زبان بیاورد؟ یک نفر خائن - آن طاغوت مصری - جرات کرد و اقدام نمود و بعد از اندکی سزای عمل خودش را هم دید.

امروز قضیه را به صورت یک قضیه ساده مطرح می‌کنند. آن طرف قضیه امریکاست که می‌گوید بیا باید با صهیونیستها، با این دردها، با این قاتلها، با این کسانی که چهل سال است ملت فلسطین را شکنجه می‌دهند و نسبت به همه‌ی دنیاک اسلام سمپاشی و خیانت می‌کنند و از پشت خنجر می‌زنند و همه یا بیشتر مشکلات دنیاک اسلام ناشی از اینهاست، بنشینید مذاکره کنید و امضا نمایید که بیت‌المقدس و سرزمین فلسطین و جولان متعلق به صهیونیستها باشد! امریکا در این قضیه چکاره است؟ دولت امریکا به چه مناسبت به خود حق می‌دهد در قضیه‌ی که متعلق به این ملت و این منطقه است، به صورت یک متولی، یک صاحب اختیار و یک قلدر وارد بشود و به این و آن دیکته بکند که چه کار باید بکنید؟! به شما چه؟ شما در قاره‌ی امریکا دست‌اندازی و تجاوز کردید، بی‌اجازه وارد شدید و آدم کشتید؟ آیا بستان نیست؟! در این منطقه‌ی خاورمیانه، دل یک‌ایک آحاد مردم هوشیار و آگاه این ملتها، پر از بغض و عداوت نسبت به شماست؛ باز نزدیک بیا باید و به گمان خودتان بخواهید مساله‌ی فلسطین را حل کنید! آیا راه‌حل این است؟! حل مساله‌ی فلسطین به این است که دولت غاصب متلاشی بشود و از بین برود؛ صاحبان سرزمین بیا باید و در آن‌جا حکومت تشکیل بدهند؛ و مسلمان و مسیحی و یهودی و هرچه هستند، با هم زندگی کنند.

بیانات در دیدار جمعی از آزادگان / ۱۳۷۰/۰۵/۲۸

نظر ما نسبت به مسایل فلسطین روشن و واضح است. ما راه‌حل فلسطین را نابودی رژیم اسرائیل می‌دانیم. نگویند نمی‌شود؛ نمی‌شود در دنیا نیست. همه چیز شدنی است. همه‌ی کوه‌های عظیمی که مانع راه حرکت انسانها باشد، برداشتنی است. چهل سال گذشته است؛ اگر چهل سال دیگر هم بگذرد، عقابت دولت اسرائیل نابودشدنی است و باید نابود بشود. تا چند صباح قبل از این، هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که ابرقدرت شرق این‌گونه متلاشی بشود. اگر دو سال قبل کسی می‌گفت که ابرقدرت شرق از بین خواهد رفت، عده‌ی فیلسوفانه ریش می‌جنباندند که به‌له، شما ساده هستید! آن روزی که امام در نامه به گورباچف نوشتند که بعد از این مارکسیسم را باید در موزه‌ها پیدا کرد، عده‌ی پوزخند زندا! دو سال یا سه سال نگذشته بود که آن پیشگویی تحقق پیدا کرد. بعد از درگذشت امام، به یک سال نرسید که همه چیز دگرگون شد؛ چه‌طور نمی‌شود؟

قدرت استکباری امریکا هم از بین خواهد رفت، او هم متلاشی خواهد شد، این قدرت جهانی ماندنی نیست، اسرائیل هم ماندنی نیست. این، حرف دولت و ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی است، و همین خواهد شد. این، در سایه‌ی هوشیاری شما ملت و هوشیاری ملت‌های مسلمان عملی خواهد شد. ما باید تلاش کنیم. وظیفه‌ی ما تلاش کردن است.

پیام در پی برگزاری کنفرانس صلح خاورمیانه / ۱۳۷۰/۰۷/۲۵

دشمن بداند که هیچ تهدید و هیچ ترندی از قبیل شرکت دادن فلسطینیان پشت کرده به آرمان فلسطین در کنفرانس امریکایی، نخواهد توانست نفوس مومنه‌ی را که جهاد در راه نجات فلسطین را تکلیف اسلامی خود می‌دانند، از این مبارزه برحق رویگردان کند، و علی‌رغم خواست امریکا و دستیاران و وابستگانش، جهاد ملت فلسطین ادامه خواهد یافت و این شعله‌ی مقدس با خیانت سیاستمداران وابسته‌ی فلسطینی و عرب، خاموش نخواهد شد.

مهمترین علاج توطئه‌ی امریکا، در داخل سرزمینهای اشغالی و در دستان نیرومند مبارزان فلسطینی است، لیکن همه‌ی مسلمین موظفند در این جهاد شرکت جسته و کمکه‌های مالی و سیاسی و اطلاعاتی و نظامی و تجهیزاتی را به سوی آنان سرازیر کنند، ملت فلسطین باید احساس تنهایی نکند. صهیونیستها و کسانی که شکنجه و کشتار مبارزان فلسطینی منتسب به آنهاست، باید در هیچ جای جهان احساس امنیت نکنند. صندوقهای پشتیبانی و هسته‌های کمک به فلسطینیان مبارز باید در همه جای عالم و از سوی دولتها و ملتها تشکیل شود. تحریم اقتصادی دولت غاصب و به رسمیت نشناختن آن، وظیفه‌ی همه‌ی دولتهای مسلمان است و ملتها باید در برابر این مساله حساسیت نشان دهند ... و با این وسایل و با همه‌ی وسایل ممکن باید با توطئه‌ی جاری مقابله، و از تاثیر آن ممانعت به عمل آید. به هر تقدیر مساله‌ی فلسطین یک راه حل بیشتر ندارد و آن، تشکیل دولتی فلسطینی در تمامی سرزمین فلسطین است.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۷۲/۰۲/۲۸

در نظام جمهوری اسلامی چیزهایی که امریکا و هر مستکبر دیگری را خشمگین می‌سازد اینها است: اول - جدا نبودن دین از سیاست و پایه‌ی اسلامی جمهوری اسلامی. دوم - استقلال سیاسی این نظام، به معنای تسلیم ناپذیری‌اش در برابر زورگوییهای معمول ابرقدرتها. سوم - اعلام راه حل مشخص جمهوری اسلامی درباره‌ی مساله‌ی فلسطین، که عبارت است از انحلال رژیم غاصب صهیونیستی و تشکیل دولت فلسطینی، متشکل از خود فلسطینیان و همزیستی مسلمانان و

مسیحیان و یهودیان در فلسطین. چهارم - حمایت معنوی و سیاسی از همه‌ی نهضت‌های اسلامی و تقبیح فشار بر مسلمانان در هر جای عالم. پنجم - دفاع از حیثیت اسلام و قرآن و پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و دیگر انبیای الهی و مقابله با توطئه‌ی رواج دادن اهانت به این مقدسات، نظیر آنچه در باب نویسنده‌ی مهدورالدم آیات شیطانی دیده شد. ششم، تلاش برای اتحاد امت اسلامی و همکاری سیاسی و اقتصادی دولت‌ها و کشورهای اسلامی و حرکت در جهت تثبیت اقتدار ملت‌های مسلمان در قالب «امت بزرگ اسلامی». هفتم، رد و نفی فرهنگ تحمیلی غرب، که دولت‌های غربی با تنگ‌نظری و تعصب، برآنند که همه‌ی ملت‌های عالم را به پذیرش آن وادار سازند، و اصرار بر احیای فرهنگ اسلامی در کشورهای مسلمان. هشتم، مبارزه با فساد و بی‌بندوباری جنسی، که بعضی از دولت‌های غربی بخصوص آمریکا و انگلیس اخیراً انحرافی‌ترین شکل آن را بی‌شرمانه رسمیت داده یا در راه آنند، و از ده‌ها سال پیش برای ورود اشکال گوناگون این فساد به کشورهای اسلامی برنامه‌ریزی و تلاش می‌کنند. اینها است آنچه موجب دشمنی کینه‌آلود آمریکا و همپالگی‌هایش، با جمهوری اسلامی است.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۲/۱۱/۲۹

آن کسانی که برای فلسطین دل می‌سوزانند، برای صدها هزار و میلیون‌ها انسان از حقوق انسانی محروم شده دل می‌سوزانند. کسانی که با حضور دولت غاصب صهیونیستی در وطن فلسطینی مخالفت می‌کنند، برای بشریت، برای مادران داغ‌دیده و برای جوانان مومن دل می‌سوزانند؛ برای انسانهایی دل می‌سوزانند که حرفشان این است که خانه‌ی ما را به خود ما بدهید، وطن ما را از ما نگیرید، در داخل خانه‌ی ما این‌قدر به ما ظلم نکنید. آیا این حرف، خلاف است؟ آیا این حرف، زورگویی و خشنوت است؟ آیا اگر کسی در این دنیا برای احیای حق ملت خود مبارزه کند، مبارزه‌ی غیرعادلانه‌ی انجام داده است؟ ما از کسانی که امروز می‌گویند می‌خواهیم در قضیه‌ی فلسطین راه حل عادلانه پیدا کنیم، سوال می‌کنیم که این راه‌حل عادلانه چیست؟ فلسطین متعلق به کیست؟ جز این‌که متعلق به فلسطینی است؟

آیا شما با تغییر اسم می‌توانید یک ملت را از اولیترین حقتش - یعنی حق داشتن سرزمین خود - محروم کنید؟ آیا با تبلیغات می‌توانید یک ملت دروغین به نام ملت اسرائیلی به وجود بیاورید؟ آیا چنین چیزی مقبول است؟ آیا چنین چیزی مطابق با انصاف است؟ آیا چنین چیزی عادلانه است؟ مسأله غیر از اینهاست؛ مسأله این است که دنیا استیکاری، به سرزمین فلسطین به عنوان قلب جغرافیایی جهان اسلام احتیاج دارد، تا اسلام را بکوبد، ملت‌های اسلامی را زیر فشار قرار بدهد و از حرکت اسلامی مانع بشود.

دولت اسرائیل در این نقطه، قائم‌مقام حضور استیکاری است، تا منافع استیکار را در این منطقه تامین کند؛ قضیه این است. آیا انسان‌های سالم و بی غرض حاضرند گول تبلیغات دروغین و خیانت‌آلود استیکار را نسبت به فلسطین بخورند؟ امروز اردوگاه استیکار ایستاده است تا حق بزرگ ملت فلسطین و ملت‌های اسلامی را تضییع کند. آیا ملت‌های اسلامی حق دارند بنشینند و تضییع حق یک ملت مسلمان و تضییع حقوق خود را تماشا کنند؟!

راه‌حل مسأله‌ی فلسطین، راه‌حل روشنی است. کسانی که گول این مطلب را می‌خورند که برون با دشمن - یعنی با عامل غصب - مذاکره کنند، خودشان را فریب می‌دهند. آنها می‌خواهند ملتها را فریب بدهند؛ اما ملتها فریب نمی‌خورند. راه حل مسأله‌ی فلسطین این نیست که برون با اسرائیل غاصب فلسطین بنشینند حرف بزنند. آنها که در این منطقه صلح می‌خواهند، اگر خانه‌ی فلسطینیها را به خودشان برگردانند، صلح ایجاد خواهد شد. چرا شما افرادی را با ملیتهای مختلف روسی، انگلیسی، امریکایی، آفریقایی، آسیایی، از هند و از مناطق دیگر دنیا در این‌جا جمع کرده‌اید، تا مردمی را از خانه‌ی خودشان بیرون کنید؟ اگر شما صلح می‌خواهید، صلح به این است که افرادی که متعلق به کشورهای دیگرند، به خانه‌های خودشان برگردند و فلسطین را به فلسطینیها بدهند.

فلسطین متعلق به فلسطینیهاست. اگر مردم سرزمین فلسطین در داخل فلسطین - یعنی در همه‌ی فلسطین، بدون تجزیه - دولتی تشکیل بدهند، صلح خواهد شد. اگر شما راست می‌گویید، و اگر توطئه‌ی علیه ملت فلسطین و ملت‌های اسلامی و علیه اسلام در نظر ندارید، راه حل این است. اما اگر نخواهید این راه حل را عمل کنید، اردوگاه استیکار بدانند که با این نشست‌وبرخاسته‌هایی که ترتیب می‌دهند و با این تصمیم‌گیریها، مسأله‌ی فلسطین حل نخواهد شد؛ مبارزات فلسطین خاموش نخواهد شد، و نباید بشود.

اسرائیل ثابت کرده است که جز زبان زور، چیز دیگری نمی‌فهمد. با او جز با زبان قدرت یک ملت و قدرت یک امت اسلامی در سراسر عالم، نمی‌شود حرف زد. شما نمایندگان ملت‌های اسلامی هستید. شما نمایندگان مردم فلسطین، نمایندگان پارلمانها و نمایندگان ملتها در این‌جا جمعید؛ نسبت به فلسطین تصمیم بگیرید. تصمیم باید استنفاذ فلسطین باشد، و لاغیر؛ و این هم یک راه بیشتر ندارد و آن راه، همان راهی است که عناصر انتفاضی مقدسه‌ی فلسطین آن را شناختند و دارند تعقیب می‌کنند؛ راه مبارزه در داخل سرزمین‌های فلسطین؛ علاج این است و لاغیر.

شما یک‌چهارم جمعیت دنیا هستید. مسلمانان بزرگترین ابزارهای قدرت را در اختیار دارند. امروز دنیا به نفت شما محتاج است. امروز دنیا به منطقه‌ی حساس حیات و زندگی شما محتاج است. چرا آمریکا باید بتواند چیزی را بر شما تحمیل کند؟ تحمل نکنید، قبول نکنید. اینها شعار نیست؛ اینها واقعیهایی است که اگر ما همت بکنیم و با این تکلیف عظیم الهی و انسانی صادقانه برخورد نماییم، قابل تحقق و قابل عمل است.

امروز یک عده مسلمان، فداکار، برگزیدگان ملت فلسطین، از پیر و جوان و مرد و زن، در سرزمین‌های مقدس فلسطین دارند مبارزه می‌کنند؛ به آنها کمک کنید؛ راه این است. کمک به فلسطین، یعنی کمک به عناصری که دارند مبارزه می‌کنند. کمک به فلسطین، معنایش این نیست که به عناصر سازشکاری که دلشان برای فلسطین نسوخته، بلکه دلشان برای منافع شخصی خودشان سوخته، کمک کنند. آن سازمانی مورد قبول است و نماینده‌ی واقعی مردم فلسطین است، که در راه آرمان فلسطین مبارزه بکند؛ نه آن سازمانی که برود آرمان فلسطین را به دشمن بفروشد و بر سر آن معامله بکند!

باید ملت‌های مسلمان حرکت کنند و احساس تکلیف نمایند. من آنچه را که به نظر می‌رسد امروز باید گفته بشود و باید انجام بدهیم، در بیانیه (۱) گفته‌ام؛ الان هم دارم می‌گویم؛ ملت‌های اسلامی به هر نحو که می‌توانند، باید انواع کمک‌های خودشان را به آن مردمی که دارند در داخل فلسطین مبارزه می‌کنند، برسانند؛ این یک تکلیف شرعی و الهی و انسانی است.

بیانات در آغاز هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی / ۱۳۷۶/۰۹/۱۸

ما امروز باید ابتکار عمل را به دست بگیریم. تا کنون همواره دشمن ابتکار عمل را در دست داشته و ما، حداکثر شکوه و گله کرده‌ایم. فلسطین در یک فرآیند تاریخی متشکل از ده‌ها ابتکار عمل از سوی دشمن، به ملک طلق صهیونیستها بدل شده است. نخست خریدن زمین‌های فلسطینیان، سپس مسلح شدن صهیونیست‌های مهاجر، بعد از آن جنگ داخلی و اعلام تجزیه فلسطین، سپس تصرف بخش‌های جدیدی از آن کشور اسلامی و عربی و در نهایت تصرف همه آن و افزودن بخش‌هایی از کشورهای مصر و سوریه و اردن به آن! تا این‌جا فقط یکبار همسایگان عرب فلسطین، ابتکار عمل را به دست گرفتند و آن حمله رمضان سال هزار و سیصد و نود و سه هجری کشورهای سوریه و مصر بود، که اگر چه بر اثر همراهی آمریکا با اسرائیل و کم‌همتی کشورهای اسلامی به نتایج کامل نرسید، ولی باز مایه افتخار جبهه عرب و رهاسازی بخشی از سرزمین‌های عربی شد. پس از آن، باز همواره تا امروز صهیونیستها و حامیان‌شان و در راس همه آمریکا، ابتکار عمل را در دادن شعارهای سازش و عموماً در جهت تحکیم تصرف غاصبانه فلسطین در دست داشته و حریف‌های خود را تا هر جا توانسته‌اند، به دنبال خویش کشانده‌اند. ما دولت‌های مسلمان، در راه نجات فلسطین باید به کشورهای خط مقدم، کمک‌های جدیتری می‌کردیم. در گذشته بعضی از دولت‌های ما حتی از پشت هم به جبهه کشورهای خط مقدم، خنجر زده‌اند! نمونه بارز آن، دولت ایران در عهد پهلوی است. متأسفانه در آن روزگار، ایران خانه امن صهیونیستها و همکار صمیمی دولت غاصب بود!

برادران و خواهران عزیز! این وضع، با عزت اسلامی ناسازگار و از راه علاج دردهای امت اسلامی، بسی دور است. هم باید همه کشورهای اسلامی در احقاق حق ملت فلسطین سهم شایسته‌ای بر عهده گیرند و هم دنیا اسلام باید از حالت انفعال به حالت ابتکار در آید. این هر دو وظیفه را عاجلتاً فقط جوانان مومن و غیور

فلسطین و لبنان، با همه وجود خود انجام می‌دهند. درود بر آنان! مخالفت ما با آنچه بدان گفتگوی صلح خاورمیانه می‌گویند، به دلیل ناعادلانه بودن، استکباری بودن و تحقیر آمیز بودن و بالاخره غیرمنطقی بودن آن است. اصل تخمیلی صلح در مقابل زمین به معنای آن است که صهیونیست‌ها زمین‌های کشورهای همسایه را پس بدهند، تا ما بپذیریم که کشور فلسطین متعلق به آنها باشد! چه سخنی از این نا عادلانه‌تر است؟ چه پاسخی می‌توان به ملت کهن فلسطین در این معامله مغیوبانه داد؟ از شوخیهای عبرت انگیز زمانه، یکی این است که دولت غاصب، همین را هم نامناسب دانسته و رد کرده است!! آیا وقت آن نرسیده که دنیای اسلام، به این روحیه استکباری پاسخ دهد؟ ما اگر مناسبات خود را تنظیم و برادرانه کنیم، این قدرت را داریم، امریکا در برابر جبهه متحد کشورهای اسلامی، از اندونزی تا شمال آفریقا، چه می‌تواند بکند؟ امروز دلگرمی استکبار، به پراکندگی این جبهه است. آیا وقت آن نرسیده که این صف را به نفع خودمان مستحکم کنیم؟ حضور دشمنی مانند حکومت صهیونیستی در قلب قلمرو اسلامی، شاید می‌توانست ما را به یکدیگر نزدیکتر سازد، ولی دست‌های مرموز استکبار، این خطر را هم از برابر خود برداشت. با ما کاری کرد که اینک از یکدیگر بیشتر می‌ترسیم تا از دشمن! وسوسه‌ها و دروغ‌ها و تبلیغات موزیانه، کشورهای اسلامی را به غلط و نابجا از یکدیگر ترسانده است.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۹/۰۲/۲۱

هرجا که ما با اسلام و حقایق اسلام و وظیفه‌های که اسلام برایمان معین کرده است، صادقانه برخورد کردیم، نصرت الهی و پیروزی و موفقیت، نصیب شد. ما، هم در مسائل داخل کشورمان این را تجربه کرده‌ایم، هم در مسائل دنیای اسلام این را دیده‌ایم. اگر مشاهده می‌کنید که جوانان مومن در لبنان توانستند پیروزی بزرگی را برای خودشان و برای امت اسلامی و ملت عرب به ارمغان بیاورند(۱)، این در سایه اسلام و در سایه آشنایی با اسلام و عمل کردن به حکم اسلامی در این مورد بود.

همیشه همین‌طور است. علاج دردهای امت اسلامی؛ علاج درد بزرگ امت اسلام و زخم عمیق دنیای اسلام - یعنی مساله فلسطین - نیز همین است. کسانی گمان نکنند که قضیه فلسطین هم تمام و ملت فلسطین نابود و مساله فلسطین در زیر این جنجالها و غوغاها دفن شد! این خطاست؛ این توهم باطل است. گذشت زمان نمی‌تواند حقی مثل مساله فلسطین را از طومار عالم محو کند. فلسطین و ملت فلسطین، زنده و آینده فلسطین، روشن است. شما ملاحظه کنید، چندین کشور - چه در آسیای میانه و چه در منطقه بالکان - بعضی پنجاه سال و بعضی هفتاد سال، جزو مجموعه شوروی بودند و کسی گمان نمی‌کرد که یک روز آنها دوباره به هویت خودشان برگردند؛ اما برگشتند! یک روز شوروی، شکست‌ناپذیر و زوال‌ناپذیر به نظر می‌آمد و ظاهرینان خیال می‌کردند مساله کشورهای که در مجموعه شوروی، حل و گم شده بودند، برای ابد تمام شده است؛ اما این‌طور نبود. فلسطین نیز همین است. فلسطین که تمام‌شدنی نیست. فلسطین که از روی صحنه عالم، گم‌شدنی نیست؛ همچنان که جنوب لبنان، گم‌شدنی نبود. صهیونیست‌ها به لبنان نیامده بودند که یک روز آن‌جا را تخلیه کنند. آمده بودند که آن‌جا برای همیشه بمانند! دیدید که مجاهدت و صبر و استقامت مردم و جوانان مسلمان لبنان در طول بیست سال، عرصه را بر دشمن، تنگ و او را مجبور به عقب‌نشینی کرد. عین این مساله در مورد خود فلسطین، صادق است. مقاومت مردم مسلمان و تمسک به اسلام می‌تواند این نقشه جعلی و دروغین امروز را به هم بزند و نقشه حقیقی - نقشه فلسطین - و ملت فلسطین را دوباره به این سرزمین برگرداند. به فضل پروردگار، این کار شدنی است. در سایه معرفت به اسلام و عمل به آن، بسیاری از چیزها که امروز ممکن است به چشم‌های محال و دشوار بیاید، هم شدنی است، هم وقتی که در عمل تحقق پیدا کرد، دیده خواهد شد که آنقدر هم دشوار و غیرعملی نبود.

بیام در پی جنایات اخیر رژیم اشغالگر صهیونیستی / ۱۳۷۹/۰۷/۱۲

اما این بار نیز، همچون گذشته از این جنایات هولناک طرفی نخواهد بست و نقشه‌های شوم و اوهام شیطانی او نقش بر آب خواهد شد. به دنبال این شرارت ضد بشری و کینه توزانه، امواج خروشان اعتراض، مردم فلسطین، مسلمانان و مبارزان را فراگرفته و تظاهرات مردمی و دانشجویی در جای جای کشورهای اسلامی به راه افتاده و انتفاضه جان تازه‌ای یافته و راه جهاد پرهیروتر شده است. امروز مسلمانان هوشیار و بیدار در تظاهرات گسترده و پرشور ضمن سردادن شعارهای حق‌طلبانه از مسئولین کشورهای اسلامی درخواست می‌کنند که راه جهاد را بگشایند و اجازه دهند مسلمانان به این وظیفه مهم به عنوان تنها راه حل عمل نموده و اشغالگران را از سرزمینهای غصب شده بیرون کنند تا فلسطینیان به سرزمین و خانه‌های خود برگردند. امروز موج محکومیت حاکمان اشغالگر دامنه‌دارتر شده و راه سازشکاری کم‌رونق‌تر گردیده و هر روز بی‌نتیجه بودن آن بر همگان روشن‌تر می‌شود.

بیانات در جمع بسیجیان حاضر در اردوی فرهنگی رزمی باران امام علی(ع) / ۱۳۷۹/۰۷/۲۹

در فلسطین هم بسیج هست؛ بسیج فلسطینی که دنیا را امروز متوجه به خود کرده است. آن وقتی که سرنوشت قضیه فلسطین، دست چند نفر سیاستمدار باشد، مردم در آن نقشی نداشته باشند، جوانان در آن حرفی نداشته باشند؛ سرنوشت همان می‌شود که دیدید: ذلت پشت سر ذلت؛ عقب‌نشینی پشت سر عقب‌نشینی؛ میدان دادن به دشمن؛ سنگرها را یکی پس از دیگری به نفع دشمن زورگو، متجاوز، پر رو و وقیح، خالی کردن. این آن وقتی است که مردم در صحنه نیستند. مردم را کنار گذاشتند؛ انگیزه‌های حقیقی‌ای که مردم را جذب می‌کند - یعنی انگیزه ایمانی - فراموش کردند و دهها سال مساله فلسطین را عقب انداختند. من اول انقلاب به یکی از این سران فلسطینی که این‌جا آمده بود، گفتم چرا شما شعار اسلام را مطرح نمی‌کنید؟ عذرهای بیهوده‌ای آورد. نمی‌خواستند بکنند؛ دلشان به اسلام باور نداشت. امروز بیش از دوازده، سیزده سال است که ملت مسلمان فلسطین، با نام اسلام و با شعار اسلام به میدان آمده است. دشمن فوراً فهمید قضیه چیست. وقتی که در دهه قبل، انتفاضه در فلسطین شروع شد، دشمنان - یعنی صهیونیست‌ها و رفیق‌های امریکایی‌شان - زودتر از همه احساس خطر کردند. دیدند باید این را نابود کنند؛ چون به نام اسلام است.

بیانات در جمع بسیجیان حاضر در اردوی فرهنگی رزمی باران امام علی(ع) / ۱۳۷۹/۰۷/۲۹

من حرف اولم در باب فلسطین این است که هیچ قدرتی در دنیا وجود ندارد که بتواند انگیزه آزادی و بازگشت فلسطین به صاحبان آن را در دنیا و در دل ملت‌های مسلمان و به‌طور ویژه در دل ملت فلسطین خاموش کند. راه علاج هم یک راه بیشتر نیست. من به کسانی که مساله خاورمیانه را یک مساله بحرانی دنیا می‌دانند و می‌گویند بایستی سعی کنیم بحران خاورمیانه مهار شود، می‌گویم تنها راه مهار کردن یا از بین بردن بحران خاورمیانه این است که ریشه بحران خشک شود. ریشه بحران چیست؟ رژیم تخمیلی صهیونیستی در منطقه. تا وقتی که ریشه‌ی بحران هست، بحران هم هست. راه حل این است که آوارگان فلسطینی از لبنان و هر نقطه دیگری که هستند، به فلسطین برگردند. این چند میلیون فلسطینی‌ای که در بیرون فلسطین زندگی می‌کنند، به فلسطین برگردند. مردم اصلی فلسطین - چه مسلمان، چه مسیحی، چه یهودی - فرآندوم کنند و تصمیم بگیرند که چه رژیمی بر کشورشان حاکم باشد. اکثریت قاطع مسلمانند؛ تعدادی هم یهودی و مسیحی‌اند که اینها ساکنان اصلی سرزمین فلسطین‌اند و پدران‌شان در این جا زندگی کرده‌اند. نظامی را که مطلوب این جمعیت است، سر کار بیاورند؛ بعد آن نظام تصمیم بگیرد با کسانی که در طول این چهل سال، چهل و پنج سال و پنجاه سال به فلسطین آمده‌اند، چه کار کند. نگهشان دارد، برشان گرداند، در نقطه خاصی اسکان داده شوند؛ این دیگر با آن نظام حاکم بر فلسطین است؛ این راه حل بحران است. تا وقتی این راه حل اجرا نشود، هیچ راه حل دیگری کارایی نخواهد داشت؛ امریکاییها هم با همه قدرت‌نمایی‌شان کاری نمی‌توانند بکنند. آنها هر کاری می‌توانست‌اند، کرده‌اند؛ نتیجه این است که مشاهده می‌کنید. البته آنها از اوضاع این سه هفته فلسطین اشغالی، از قیام جوانان، از شجاعت مردان و زنان، از عزم و اراده والای آن مردم مظلوم و خشمگین، به‌شدت عصبانیت و مرتب می‌خواهند گناه را به گردن این و آن بینازند. نه آقا! عامل قیام فلسطین جمهوری اسلامی نیست؛ عامل قیام فلسطین مردم لبنان نیستند؛ عامل قیام فلسطین

خود فلسطینیها هستند؛ عامل قیام و انتفاضه فلسطینی، رنجها و غمهای متراکم شده در وجود این نسل جوانی است که امروز با امید و نشاط به میدان آمده است. ما البته آنها را تحسین می‌کنیم؛ ما آنها را از خودمان می‌دانیم؛ ما فلسطین را پاره تن اسلام می‌دانیم و با ملت فلسطین، با جوانان فلسطین احساس برادری و همخونی می‌کنیم؛ اما آنها هستند که انتفاضه را راه می‌برند. این قراردادهایی هم که در «شرم‌الشیخ» و دیگر مناطق، بین اطراف بی‌مسئولیت قضیه بسته شده است، هیچ تاثیری ندارد. مایه شرمندگی قراردادنندگان و کسانی که این قراردادها را بسته‌اند، خواهد شد. هیچ فایده‌ای ندارد؛ هیچ تاثیری نخواهد داشت. در آینده بسیار نزدیکی اجلاس سران عرب تشکیل می‌شود. من لازم می‌دانم به سران کشورهای عربی مسئولیت بزرگی را که امروز متوجه آنهاست، یادآوری کنم. امروز امت اسلام از سران عرب انتظار دارد. امریکاییها سعی کردند در اجلاس «شرم‌الشیخ» کاری کنند که اجلاس سران عرب تحت تاثیر قرار گیرد. نباید تحت تاثیر قرار گیرند. امروز هر تصمیمی که در اجلاس سران عرب گرفته شود، مورد قضاوت همیشگی تاریخ خواهد بود. سران عرب می‌توانند با تصمیمهای درست، برای خودشان در این اجلاس افتخار ابدی کسب کنند. البته مساله فلسطین با این اجلاسها حل نمی‌شود؛ اما این اجلاسها می‌توانند مطالبات ملت فلسطین را به دنیا عرض کنند. نقدترین و فوری‌ترین مطالبات ملت فلسطین این است که عاملان کشتار فلسطینی در این سه هفته باید در یک دادگاه اسلامی یا عربی، محاکمه و مجازات شوند. آن موجود پلیدی که با حضور خود در مسجدالاقصی احساسات مردم مسلمان را جریحه‌دار کرد، باید مجازات شود. قدس شریف و شهر بیت‌المقدس باید از وجود صهیونیستها به کلی پاکسازی شود؛ اجازه داده شود که ملت فلسطین آزادانه نسبت به آینده و سرنوشت خود تصمیم بگیرد. اینها مطالبات نقدی است که سران کشورهای عربی می‌توانند مطرح کنند.

من به برادران و خواهران فلسطینی عرض می‌کنم: جهادتان را ادامه دهید. ایستادگیتان را ادامه دهید. بدانید هیچ ملتی جز به وسیله ایستادگی و مبارزه نمی‌تواند شرف خود و هویت خود و استقلال خود را به دست آورد. به هیچ ملتی، دشمن با التماس چیزی نخواهد داد. هیچ ملتی به خاطر ضعیف بودن و گردن کج کردن در مقابل دشمن، به چیزی نمی‌رسد. هر ملتی که در دنیا به جایی رسیده است، به خاطر عزم و اراده و ایستادگی و سینه سپر کردن و سر را بالا نگه‌داشتن رسیده است. بعضی از ملتها این توان را ندارند؛ اما آن ملتی که به اسلام معتقد است، آن ملتی که به قرآن معتقد است، آن ملتی که به وعده خدا معتقد است، آن ملتی که معتقد است «لینصرن الله من ینصره(۱)» - هر که خدا و دین خدا را باری کند، خدا با تکیه او را باری خواهد کرد - این توانایی را دارد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی / ۱۳۷۹/۰۸/۰۲

امروز از آن دوره‌هایی است که سرنوشت ملت فلسطین می‌تواند یک زاویه پیدا کند به سمت آنچه که مطلوب دنیای اسلام است. چرا؟ چون یک نسل در فلسطین بیدار شده است. یک حزب را می‌شود سرکوب کرد، یک مجموعه را می‌شود از میدان خارج کرد، تعدادی انسان را می‌شود از مجاهدتشان یا از شجاعت ورزیدنشان پشیمان کرد؛ اما یک نسل رو به رویش را به هیچ قیمتی نمی‌توان از راهی که شناخته است و به آن روآورده است، منصرف کرد. امروز مساله این است. این نسلی که امروز بار مساله فلسطین را بر دوش گرفته است، بیدار شده و حقیقت را فهمیده است. حقیقت به چیست؟ حقیقت این است که قدرتمندان، سیاستمداران و ثروتمندان دنیا، در برهه‌ای از زمان تصمیم گرفتند یک ملت را از روی زمین محو و یک کشور را از نقشه جغرافیا خارج کنند و به خیال خودشان توانستند این کار را بکنند. عده‌ای را کشتند، عده‌ای را بیرون کردند، عده‌ای را سرکوب کردند؛ خیال کردند قضیه تمام شد؛ در حالی که یک ملت را، آن هم ملتی مثل ملت فلسطین؛ ملتی با سابقه درخشان، با فرهنگ غنی و عمیق اسلامی، با استعدادهای درخشانی که در میان این ملت وجود دارد - فلسطینیها ملت برجسته‌ای هستند و مردمان با استعداد و شخصیت‌های بزرگ در میانشان کم نیستند - قدرتهای دنیا؛ انگلیس و امریکا و صهیونیستها و فلان کمپانی‌دار و فلان محفل قدرتمند جهانی بخواهند از عرصه وجود خارج کنند، این شدنی نیست؛ کمالین‌که نشد.

آنها اشتباه کردند که خیال کردند ملت فلسطین و کشور فلسطین تمام شد. فلسطین باقی مانده است؛ ملت فلسطین باقی مانده است. در کنار وجود ملت فلسطین، یک غصه بزرگ هم وجود دارد. عده‌ای را از اطراف دنیا جمع کردند، یک ملت جعلی و دروغین تشکیل دادند، اسمی هم روی آن گذاشته‌اند، با ابزارهای قدرت هم آن را مجهز کرده‌اند؛ این در کنار واقعیت ملت فلسطین، امروز خودنمایی می‌کند؛ این حقیقت را نسل فلسطینی، امروز با همه وجودشان درک کرده‌اند؛ اولین قدم معرفت است؛ این معرفت را پیدا کرده‌اند و فهمیده‌اند که آن موجود جعلی، با همه پشتیانیهای جهانی، غیرقابل شکست نیست؛ درست هم فهمیده‌اند؛ لذا وارد میدان شده‌اند. امروز وظیفه همه دولت‌های اسلامی و همه ملت‌های اسلامی این است که هر چه می‌توانند، به اینها کمک کنند. من ادعا نمی‌کنم که قضیه فلسطین در کوتاه‌مدت تمام خواهد شد؛ اما ادعا می‌کنم بدون شک فلسطین به فلسطینیها برخواهد گشت. زمان، ممکن است کوتاه یا بلند شود؛ بهایی که برداشته می‌شود، ممکن است سنگین یا سنگین‌تر باشد؛ اما این واقعه اتفاق خواهد افتاد.

آنچه که تاثیر می‌گذارد، رفتار ما مسوولان کشورهای اسلامی و ما ملت‌های مسلمان است. اگر ما خوب رفتار کنیم، این زمان کوتاه‌تر و این هزینه کمتر خواهد شد. اگر ما بد رفتار کنیم، این زمان طولانی‌تر خواهد شد؛ این هزینه سنگین‌تر خواهد شد و این هزینه فقط بر دوش ملت فلسطین بار نخواهد شد؛ بر دوش همه دنیای اسلام بار خواهد شد. همان کسانی که کوتاه می‌کنند، همان کسانی که به ظالم کمک می‌کنند، خودشان هزینه این کار را خواهند پرداخت؛ خودشان خسارت این را خواهند داد و تلخیش را خواهند چشید. لذا امروز همه مسلمانها وظیفه دارند.

این وظیفه چیست؟ این وظیفه عبارت است از کمک. کمک چگونه است؟ این البته شکل‌های مختلفی دارد؛ کمک‌های سیاسی، کمک‌های مالی، کمک‌های بین‌المللی؛ انواع و اقسام کمک‌ها را می‌شود به آنها کرد. این بایستی در مجامع بالای دنیای اسلام تصمیم‌گیری شود. این باید در بین مسوولان و مقتدران دنیای اسلام رویبش تصمیم‌گیری شود. اگر آنها تصمیم‌گیری نکردند، آن وقت ملت‌های مسلمان احساس خواهند کرد که وظیفه مستقیم متوجه آنهاست. یقیناً در این جرائم، رژیم صهیونیستی تنها نیست. بلاشک شریک جرم او دولت ایالات متحده امریکاست. هر کسی امروز به آن ظالم کمک کند، در جرم او شریک است. ممکن است امروز اثری بر این مترتب نشود، اما از حافظه ملت‌ها و حافظه تاریخ پاک نخواهد شد.

ملت عزیز ما مساله فلسطین را با همه وجود درک کرده است؛ ظلمی را که به دنیای اسلام شده، احساس کرده است؛ وظیفه‌ای را که خودش در این زمینه دارد، درک کرده است. دولت جمهوری اسلامی، همیشه در این قسمت پیشتاز بوده است؛ احساس وظیفه کرده است و آنچه را که می‌توانسته، انجام داده است. یقیناً این، نتایج بزرگی به دنبال خواهد داشت و ما امیدواریم - نشانه‌هایش را هم می‌بینیم - که تدریجاً دولت‌های اسلامی بعضی حقایق را بیشتر لمس می‌کنند؛ بعضی به متن قضیه نزدیکتر می‌شوند و راه را به سمت آنچه که وظیفه امت اسلامی است، نزدیکتر می‌کنند.

امیدواریم که خداوند به همه مسوولان کشورهای اسلامی و به همه ملت‌های مسلمان که درباره این قضیه بزرگی که امروز در جریان است و نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود، احساس مسئولیت می‌کنند، توفیق دهد. همه ما را در این راه هدایت و کمک کند و ان‌شاءالله مشکل مردم فلسطین را - که مشکل دنیای اسلام است - با قدرت با لاف خود، با عزت و قوت خود، به حل نهایی نزدیک کند.

بیانات در مراسم اختتامیه مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم / ۱۳۷۹/۰۸/۰۹

عزیزان من! ملت ایران به همان اندازه‌ای که به قرآن نزدیک شده است، به عزت نزدیک شده است؛ به نجات نزدیک شده است؛ به رستگاری نزدیک شده است؛ به نصرت نزدیک شده است. راه نجات همه ملت‌های دنیا نزدیکی به اسلام و به قرآن است. راه نجات فلسطین نیز همین است. شما ببینید؛ پنجاه سال است که یک حکومت غاصب در کشور فلسطین تشکیل شده است. در طول این مدت، مبارزاتی هم انجام گرفت، لیکن به نهایت نرسید. چرا؟ چون در این مبارزات، دین خدا، ایمان اسلامی و حکم قرآنی ملاک نبود. امروز ملت فلسطین با نام اسلام علیه دشمن مبارزه می‌کند و این مبارزه در ارکان دشمن تزلزل ایجاد کرده است. اگر مسلمانها به آنها کمک کنند - که این وظیفه قرآنی همه است - یقیناً این راه کوتاه خواهد شد. اگر مسلمانها هم کمک نکنند، خود آنها مقاومت و ایستادگی کنند، باز هم پیروز خواهند شد؛ منتها پیروزی در حال غربت و تنهایی سخت‌تر است؛ مثل ملت ما که تنها ایستادگی کرد و شرق و غرب با او مخالفت کردند. در جنگ

تحمیلی علیه ما، همه مراکز قدرت علیه ما شدند. ما غریبانه مقاومت کردیم؛ غربت را تحمل کردیم؛ اما از مقاومت دست برنداشتیم و خدای متعال ما را پیروز کرد. ملت فلسطین نیز همین‌طور است. برای رفتن در فضای زندگی شایسته انسان، مبارزه لازم است. وظیفه همه مسلمانهاست که در این مبارزه سهیم شوند و به آن قطعه از پیکر اسلامی که در دست دشمن است، یاری برسانند تا بتوانند آن را پس بگیرند. یک مصداق از عمل به قرآن این است. اگر مسلمانها به همین یک قانون و به همین یک دستور عمل کنند، بسیاری از کارها اصلاح خواهد شد.

بیانات در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین / ۱۳۸۰/۰۲/۰۴

کنفرانس گذشته فلسطین که در تهران تشکیل شد، یک نقش اساسی و مثبت ایفا کرد؛ به این معنی که کانون امیدی را برای مخالفان روند سازش فراهم کرد و در عین حال به مردم فلسطین روحیه و امید بخشید. مواضع ایران اسلامی و پایداری منحصر به فرد آن در میان دولتهای اسلامی نیز توانست به این مردم قهرمان امید بخشد. اینک نیز مردم فلسطین بیش از هر چیز به حمایت معنوی و پایداری در مواضع نیاز دارند. درست است که نیاز مالی نیز دارند و باید برای آن، اقدامات جدی نمود؛ ولی خود آنها در مصاحبه‌های مختلف می‌گویند که ما بیش از هر چیز به موضعگیری نیرومند عربی - اسلامی نیازمندیم.

کنفرانس شما باید زمینه تحقق چنین امری را فراهم نماید و مردم فلسطین را دلگرم به حمایت‌های بی‌دریغ و فراگیر امت اسلامی کند. شما نمایندگان کشورهای مختلف اسلامی می‌توانید با تلاش در این مسیر، امکانات ملتهای خودتان را برای آزادی فلسطین بسیج کنید. دفاع از ملت مظلوم فلسطین و قیام شجاعانه و مظلومانه آنان، وظیفه اسلامی همه ماست. امروز یک ملت مسلمان با چهره خون‌آلود، از وسط میدان نبرد، امت اسلامی را به یاری می‌طلبید. من فریاد آن زن فلسطینی را که در مقابل دوربین خبرنگار با صدای گرفته خود فریاد می‌زد: «یا للمسلمین...»، از یاد نمی‌برم.

همه مسلمانان و اعراب باید از مشروعیت مبارزات مردم فلسطین حمایت کنند. در مجامع بین‌المللی باید این نکته مورد تأکید قرار گیرد که مردم بی‌دفاعی که حقوق آنان سلب شده و تحت اشغال قرار گرفته‌اند، حق دارند برای احقاق حقوق خود مبارزه کنند. لذا استمرار انتفاضه و مقاومت مردم فلسطین حق مشروع آنان است و قوانین بین‌المللی نیز آن را محترم شمرده است. هرچند که متأسفانه این قوانین معمولاً در جهت خواسته استکبار و قدرتهای جهانی تفسیر می‌شود. حضار محترم! مطمئن باشید که رژیم اسرائیل از درون پوسیده و نسل کنونی به هیچ وجه آمادگی ایثار و فداکاری برای حفظ آن را ندارد.

بحمدالله ملتهای عرب و مسلمان، امروزه بیش از هر وقت دیگری در پنجاه سال گذشته، نیرومند و قوی هستند؛ آنها در زمینه‌های مختلف قدرتمند شده‌اند. مسلمانان، دیگر نمی‌توانند شاهد سرکوبی روزانه ملت فلسطین باشند و ساکت بنشینند. به اسرائیل باید بفهمانید که استمرار سرکوبی ملت فلسطین و مناطق فلسطینی‌نشین، با عکس‌العمل شدید، جدی و عملی همه اعراب و مسلمانان مواجه خواهد شد.

مردم فلسطین را باید به ادامه مقاومت دلگرم کنید. مردم فلسطین خوب می‌دانند که آنچه بر اقدامات سرکوبگرانه‌ی اسرائیل در لبنان لگام زده است، توان مقاومت اسلامی در پاسخگویی به اسرائیل و وارد آوردن ضربات سهمگین به آن می‌باشد و نه انکا به تلاشهای مسالمت‌آمیز و میانجیگری این و آن.

وحدت درونی مردم فلسطین و جریان‌های مختلف فلسطینی یک نکته اساسی است. هرچیزی که موجب انحراف مسیر و عدم توجه به دشمن اصلی شود، یقیناً در خدمت آرمان فلسطین نخواهد بود. الحمدلله فلسطینیها در طول این پنجاه سال از این امتحان سربلند بیرون آمده و پختگی خود را نشان داده‌اند. دیدیم که همه تلاشهای اسرائیل برای دامن زدن به اختلافات مجاهدین، ناکام ماند و تمامی جریانهای اصیل و جنبشهای مجاهد و مبارز، علی‌رغم گرایشهای متفاوت، با صبر انقلابی مانع از تحقق خواسته دشمن شدند. از این پس نیز باید چنین باشد.

امروز دیگر کاملاً روشن شده است آنهاپی که گمان می‌کردند قضیه فلسطین یک امر مقطعی و محدود به بخش کوچکی از جهان اسلام است، کاملاً اشتباه می‌کردند. ذخایر عظیم سلاحهای هسته‌ای و کشتار جمعی ذخیره شده در زرادخانه‌های رژیم صهیونیستی، برای مقابله با مردم بی‌دفاع فلسطین نیست؛ بلکه برای برقراری سلطه بر جهان اسلام و بخصوص منطقه خاورمیانه است. این‌که حزب‌الله برای آزادی سرزمین اشغالی تلاش می‌کند و اسرائیل در تلافی به نیروهای سوریه حمله‌ور می‌شود، نشان بارزی از چنین نیت شیطانی اسرائیل و حامیان غربی آن است.

خط کلی مبارزه با رژیم غاصب باید این باشد:

الف - زندانی کردن رژیم غاصب در درون مرزهای سرزمین اشغالی و تنگ کردن فضای تنفس اقتصادی و سیاسی آن و گسستن پیوندهای آن با محیط پیرامونش.

ب - تداوم بخشیدن به مقاومت و مبارزه ملت فلسطین در داخل کشورشان و رساندن هرگونه کمکی که به آن نیاز دارند، تا تحقق پیروزی نهایی.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۱/۰۱/۱۶

خوب؛ حالا راه‌حل چیست؟ ما برای این قضیه راه حل داریم. این راه‌حلهایی که ارائه می‌شود، راه حل نیست. فلسطین در پنجاه سال اخیر یک مساله مهم دنیا و خاور میانه بوده است. برای این‌که این مساله مهم و این مشکل بغرنج حل شود دو نوع راه‌حل همیشه پیشنهاد شده است: یک راه‌حل غلط، یک راه‌حل درست. راه‌حل غلط این است که با همین غاصبی که نه به ارزشهای انسانی پایبند است و نه به قوانین بین‌المللی، و به قطعنامه‌های سازمانهای بین‌المللی گردن نمی‌نهد، مذاکره کنند و با او به یک نقطه توافق برسند. این راه‌حل، راه حل غلطی است؛ این به هر شکلش ظاهر شود غلط است. اسرائیل نشان داده است که به هیچ امضای خود پایبند نیست؛ اگر توافق هم بکنند، امضا هم بکنند، پایبند نمی‌ماند. بزرگترین و قویترین استدلال بر این معنا هم همین وضع امروز راجع به اسرائیل است. خوب؛ خودشان نشسته‌اند در اسلو امضا کردند؛ حکومت خودگردان را به رسمیت شناختند. حالا بفرمایید؛ این رفتاری است که با حکومت خودگردان و با طرف مذاکره‌شان - یعنی یاسر عرفات - انجام می‌دهند. اینها به امضای خودشان پایبند نیستند. هر امضایی که طرف مقابل به اینها بدهد، پایشان را روی آن امضا می‌گذارند یک قدم جلو می‌آیند. طبیعتشان این است. این راه حل، راه حل درستی نیست. البته من این مطلبی که می‌گویم، طرف خطاب کسانی نیستند که می‌خواهند به هر قیمتی شده، این غده سرطانی را حفظ کنند. آنها این حرف را قبول نمی‌کنند؛ ما این را می‌دانیم. لکن طرف خطاب من، دولتهای عربی، دولتهای اسلامی، ملتهای مسلمان و وجدانهای بیدار در همه‌جای دنیا است؛ من با آنها حرف می‌زنم. این راه حل که طعمه‌ای در دهن این متجاوز بیندازد و او را فریب‌تر کند تا قادر شود قدم بعدی را بردارد، راه حل نیست؛ این تجربه پنجاه ساله فلسطین است. قطعنامه‌ها در سازمان ملل صادر شد. هر چند امریکا هم که مدافع صهیونیستها بوده به ظاهر پای آن قطعنامه‌ها را امضا کرد، اما این غاصب به این قطعنامه‌ها عمل نکرد و کسی هم نگفت بالای چشمش ابروست؛ با چنین دولتی و با چنین طرفی، انسان چه مذاکره‌ای بکند؟! این راه‌حل راه حل غلطی است؛ این راه حل درستی نیست.

اما برای این مساله، راه حل منطقی وجود دارد. راه حل منطقی راه حلی است که همه وجدانهای بیدار دنیا و همه کسانی که به مفاهیم امروز دنیا معتقدند، ناچارند آن را قبول کنند. ما یک سال و نیم قبل هم این راه حل را گفتیم و دولت جمهوری اسلامی بارها در مجامع و در مذاکرات بین‌الدولی آن را تکرار کرده است. الان هم ما همان را می‌گوییم و بر آن هم اصرار می‌ورزیم؛ راه حل نظرخواهی از خود مردم فلسطین؛ همه کسانی که از فلسطین آواره شده‌اند؛ البته آنهاپی که مایلند به سرزمین فلسطین و به خانه خودشان برگردند. این یک امر منطقی است. این کسانی که در لبنان و در اردن و در کویت و در مصر و در بقیه کشورهای عربی سرگردانند، به کشور و به خانه خودشان فلسطین برگردند - آنهاپی که مایلند؛ نمی‌گوییم کسی را به زور بیاورند - و از کسانی که قبل از سال ۱۹۴۸ که سال تشکیل دولت جعلی اسرائیل است، در فلسطین بوده‌اند - چه مسلمانان، چه مسیحی‌شان، چه یهودی‌شان - نظرخواهی شود. اینها در یک نظرخواهی عمومی، رژیم حاکم بر سرزمین فلسطین را تعیین کنند. این دمکراسی است. چطور برای همه دنیا دمکراسی خوب است، برای مردم فلسطین دمکراسی خوب نیست؟! چطور همه مردم دنیا حق دارند در سرنوشت خود دخالت کنند، اما مردم فلسطین حق ندارند؟! هیچ کس شک ندارد رژیمی که امروز در فلسطین بر سر کار است، رژیمی است که با زور، با حيله و ترفند و با فشار روی کار آمده است؛ در این کسی شک ندارد. صهیونیستها با مسالمت نیامده‌اند؛ مقداری با حيله و ترفند و مقداری با زور سلاح و فشار بر سرکار آمدند؛ لذا یک رژیم تحمیلی دارند. خیلی خوب؛ مردم فلسطین جمع شوند، رای بدهند و نوع رژیمی را که در این

کشور باید حاکم باشد، انتخاب کنند. آن رژیم و آن دولت، تشکیل شود و درباره کسانی که بعد از سال ۱۹۴۸ به سرزمین فلسطین آمده‌اند، تصمیم‌گیری کند؛ هر چه تصمیم گرفت. اگر تصمیم گرفت بمانند، پس بمانند، اگر هم تصمیم گرفت بروند، پس بروند. این، هم آرا مردم است، هم دموکراسی است، هم حقوق بشر است، هم منطبق با منطق فعلی دنیاست. این راه حل. خوب؛ این راه حل باید اجرا شود. غاصب که با زبان خوش این راه حل را قبول نمی‌کند! این‌جاست که همه اطراف قضیه باید خودشان را مسوول بدانند؛ هم دولتهای عربی، هم دولتهای اسلامی، هم ملت‌های مسلمان در همه دنیا، هم بخصوص خود ملت فلسطین و هم مجامع جهانی. هرکدام مسوولیتی دارند که اصرار بورزند این راه حل منطقی باید تحقق پیدا کند و می‌شود تحقق پیدا کند. بعضیها نگویند آقا! چنین چیزی خواب و خیال است و ممکن نیست؛ نخیر! می‌شود. کشورهای دریای بالتیک بعد از گذشت چهل سال و اندکی که جزو شوروی سابق بودند، برگشتند و مستقل شدند. کشورهای منطقه قفقاز بعضی در حدود صد سال قبل از این‌که شوروی تشکیل شود در اختیار روسیه تزاری بودند؛ بعد برگشتند و مستقل شدند. الان قزاقستان، آذربایجان، گرجستان و بقیه مستقلند؛ خودشان هستند. پس این ممکن است. این طور نیست که این یک امر نشدنی باشد؛ نخیر، شدنی است. منتها اراده و عزم لازم دارد، جرات و دلیری لازم دارد. کی باید دلیری به خرج دهد؟ ملتها یا دولتها؟ ملتها نمی‌ترسند؛ ملتها نشان داده‌اند که آماده‌اند. پس دولتها این‌جا وظیفه دارند؛ در راس همه و مقدم بر همه، دولتهای عربی. نشست اخیر سران عرب در بیروت، نشست خوبی نبود. اینها می‌توانستند از این اجلاس استفاده‌های خیلی بزرگی بکنند که فقط به سود فلسطین نبود؛ به سود خود دولتهای عرب هم بود. امروز دولتهای عرب می‌توانند جلو بیفتند و محبوبیت و حمایت ملتهای خودشان را در قضیه فلسطین کسب کنند. اگر دولت و حکومتی مورد حمایت مردم خود باشد، دیگر آمریکا نمی‌تواند با او کاری بکند، دیگر از آمریکا نخواهد ترسید، دیگر لازم نمی‌داند که ملاحظه آمریکا را بکند. در این قضیه، دولتهای عرب خیلی کارهای خوب می‌توانستند بکنند و می‌توانند بکنند.

من این‌طور به نظرم می‌رسد، از جمله کارهای مهمی که دولتهای عرب می‌توانند بکنند این است که صادرکنندگان نفت از نفت استفاده کنند. این حرفی که غربیها در دنیا به راه انداخته‌اند که از سلاح نفت استفاده نکنید، حرف درستی نیست. نفت مال ملت‌هاست و باید به سود خودشان از آن استفاده کنند. آمریکاییها از گندم و از محصولات غذایی به عنوان سلاح استفاده کردند؛ در خیلی جاهای دنیا هم می‌کنند. چرا کشورهای اسلامی و عربی این حق را نداشته باشند؟ یک ماه - فقط یک ماه - به صورت نمادین و سمبلیک، صادرات نفت را به همه کشورهایایی که با اسرائیل روابط حسنه دارند قطع کنند. امروز دنیا حرکت را - حرکت کارخانه‌ها - روشنایی و انرژی را - انرژی برق - و حرارت را، که سه عنصر اصلی زندگی‌اش است از نفت ما دارد. اگر نفت ما در اختیار آنها قرار نگیرد، حرکت کارخانجات، روشنایی و حرارت متوقف خواهد شد. مگر این چیز کمی است؟ دولتهای عرب به خاطر خودشان این کار را بکنند. یک ماه - نه این‌که دائم - به صورت نمادین به عنوان حمایت از ملت فلسطین این کار را بکنند، دنیا تکان می‌خورد. این از کارهایی است که می‌توانند بکنند.

کار دیگری که می‌توانند بکنند این است که تمام روابط و قراردادهای سیاسی و اقتصادی خودشان را با دولت صهیونیست قطع کنند و هیچ همکاری نکنند. ملتهای عرب از این خوشحال خواهند شد. ملتهای عرب پشت سر آن دولتهایی قرار خواهند گرفت که این اقدام شجاعانه را بکنند؛ وای به حال آن دولتی که ملتش بفهمد از پشت سر با اسرائیل رابطه اطلاعاتی و امنیتی و غیره دارد! دولتهای اسلامی هم موظفند. آنها هم وظیفه‌شان کمتر از دولتهای عربی نیست؛ چون این قضیه قضیه عربی نیست؛ این قضیه فراتر از اینهاست؛ یک قضیه انسانی و اسلامی است. دولتهای اسلامی هم هر کدام که تواناییهای نفتی و امثال آن را دارند، همین‌طور می‌توانند عمل کنند. این کنفرانسی هم که وزیر خارجه کشورهای اسلامی در مالزی داشتند، کنفرانس خوبی نبود. البته اظهار موضع و اظهار وجودی کردند؛ اما ضعیف بود. بایستی از این قویتر اقدام می‌کردند. این همه دولت اسلامی، این همه کشور اسلامی، برادران مسلمانان آن طور گرفتار؛ باید اینها اقدام قویتری می‌کردند.

همه ملتها هم می‌توانند در اثرگذاری بر این قضیه تاثیر داشته باشند و در آن شرکت کنند. همه ملتهای مسلمان می‌توانند کمک کنند. کمک مالی به فلسطینیها، مخصوص به دولتها نیست که فلان دولت بگوید «آقا! من ده میلیون دلار، بیست میلیون دلار، پنجاه میلیون دلار داده‌ام» معلوم هم نیست کجا داده‌اند، چه طوری داده‌اند، به کی داده‌اند. امروز ملت فلسطین محتاج غذاست، محتاج داروست. ملت فلسطین گدا نیست، آقاست، اما زیر سلطه دشمن است. همه موفتند به آن کمک کنند. فرض بفرمایید اگر در همه دنیای اسلام - در کشور ما و کشورهای دیگر - هر فردی از افراد مردم فقط هزار تومان به مردم فلسطین کمک کند، ببینید چه اتفاقی می‌افتد! یک میلیارد هزار تومان، چه تاثیری در مردم فلسطین و زندگی مردم فلسطین می‌گذارد!

هر خانواده‌ای به عدد افراد خانواده، هر کدام هزار تومان، در این کار خیر سهیم شود - حداقلش این است؛ هر کس هم خواست بیشتر بدهد، بیشتر بدهد - و این را به ملت فلسطین برسانند. برایشان آذوقه، دارو، امکانات و هر چه که برای ایستادگی و مقاومت لازم دارند، تهیه کنند و بفرستند. این کار را ملتها می‌توانند بکنند؛ دیگر احتیاج نباشد که فلان دولت بگوید «من فلان قدر می‌دهم». حالا چقدر می‌دهد، چه طور می‌دهد، آیا می‌دهد یا نمی‌دهد؛ بعد هم مورد تهدید قدرتی قرار گیرد. ملتها در این جهت سهیم شوند؛ با ملتها چه کار می‌توانند بکنند؟! در کشور ما اگر مردم دوست داشته باشند این کار را بکنند، می‌توانند همین هزار تومانها را در همین مراکز امدادی مثل هلال احمر و کمیته امداد و این مجامع امدادی که هست جمع کنند. این ثروت هنگفتی می‌شود و می‌تواند کمکی به مردم فلسطین باشد. و بالاتر از کمک مادی، کمک معنوی است؛ چرا که فلسطینیان احساس می‌کنند دل ملتها با آنهاست. این تظاهراتی که این روزها در دنیای اسلام اتفاق افتاد خیلی با ارزش بود. این حرکتی که امروز شما می‌خواهید بکنید و تا میدان فلسطین و مقابل سفارت فلسطین راهپیمایی کنید، بسیار کار با ارزشی است. اینها خیلی ارزش دارد؛ اینها خیرش منعکس می‌شود و مردم مظلوم فلسطین احساس می‌کنند که ملتها پشت سرشان هستند. البته ملت ما بحمدالله در این زمینه‌ها هیچ وقت کم نگذاشته است؛ هر وقت که برای این قضیه فرا خوانده شده، حضور پیدا کرده و اعلام موضع کرده است. و بالاخره مجامع جهانی و سازمان ملل باید فعال شوند. این مجامع حقوق بشر که همیشه یا غالباً در خدمت هدفهای استکباری‌اند، ولو یکبار هم شده، برخلاف خواسته دستگاههای استکباری، به نفع ملتها وارد شوند؛ افکار عمومی را در دنیا به خودشان متوجه کنند، ظالم و متجاوز را محکوم و ملت مظلوم فلسطین را تایید کنند. اگر این فشارها انجام گیرد، طرح ایران در مورد فلسطین عملی خواهد بود و متجاوز مجبور خواهد شد. اگر دولتهای عربی، دولتهای اسلامی، ملتهای مسلمان و مجامع جهانی، همه در این راه فعال شوند، آن کار، عملی است. هر کس که در این زمینه کوتاهی کند، مسلماً در نظر ملتها، در نظر تاریخ و بالاتر از همه در پیشگاه خداوند متعال مواخذ و مسوول است. همه وظیفه داریم.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان / ۱۳۸۱/۰۲/۱۱

برای مواجهه با ظلم فجیعی که این روزها نسبت به مردم فلسطین اعمال می‌شود، دو راه علاج وجود دارد. این دو راه علاج اجتناب‌ناپذیر است و باید همه آن را قبول کنند و از این دو راه بروند:

راه اول، ادامه انتفاضه و ایستادگی مردم فلسطین است، که بحمدالله تاکنون ایستاده‌اند. اوج این ایستادگی، همین عملیات استشهادی است. این‌که یک مرد، یک جوان، یک پسر و یک دختر حاضر می‌شود برای منافع و مصالح ملت و دینش جان خود را فدا کند، اوج افتخار و شجاعت و شهامت است. این همان چیزی است که دشمن از آن می‌ترسد. لذا شما ملاحظه کردید، از رئیس جمهور آمریکا گرفته تا همه کسانی که در سراسر دنیا در خط آمریکا کار می‌کنند و حرف می‌زنند، سعی کردند با شتمات و ملامت و فلسفه‌بافی، عملیات استشهادی را متوقف کنند. نه؛ عملیات استشهادی اوج عظمت یک ملت و اوج حماسه است. آن‌جایی که یک نیروی نظامی با کمال فداکاری از میهن خود دفاع می‌کند، مگر عملیات استشهادی نیست؟ آن‌جایی که یک ارتش ظالم و ستمگر به یک کشور تجاوز می‌کند و مردم

آن کشور در مقابل آن ارتش می‌ایستند، مگر آنجا عملیات استتصادی نیست؟ کیست که بتواند چنین کاری را محکوم کند؟ کیست که بتواند از عظمت و ارزش این کار در چشم انسانهای باوجدان و باانصاف بکاهد؟ عملیات استتصادی، اوج عظمت آنهاست. حالا عده‌ای بنشینند برای خودشان بگویند و بنویسند و ملتی را که پنجاه سال است به خاطر کوتاهی گذشتگان و به خاطر عدم توجه نسل قبلی خودش به منافع بلند مدت، الان مجبور است با جان خود به میدان بیاید تا حقوق خود را زنده کند، ملامت کنند؛ مگر این در حال آن ملت تاثیر دارد؟ ملت فلسطین، زنده و بیدار است و پیش می‌رود.

راه دوم، حمایتهاست. همه دنیا باید از اینها حمایت کنند. البته ملتها حمایت کردند. در اروپا هم ملتها حمایت کردند، دست به راهپیمایی زدند و با انواع و اقسام راهها و شیوه‌ها، خواست قلبی خود را نشان دادند. حتی در داخل کشور ایالات متحده آمریکا هم این حمایتها ابراز شد. بعد از این هم این چیزها ادامه خواهد داشت؛ لیکن دولتها باید به وظیفه خود عمل کنند. از همه واجتر، دولت‌های اسلامی و بالاخص دولت‌های عربی هستند.

بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۱/۰۲/۱۴

راه حل مساله فلسطین، راه حلهای تحمیلی و دروغین نیست. تنها راه حل مساله فلسطین این است که مردم واقعی فلسطین - نه مهاجران غاصب و اشغالگر - چه آنهايي که در داخل فلسطین مانند، چه آنهايي که در بیرون فلسطین هستند، خود نظام حاکم بر کشورشان را تعیین کنند. اگر اتکا به آرا یک ملت از نظر مدعیان دموکراسی در دنیا حرف راستی است، ملت فلسطین هم یک ملت است و باید تصمیم بگیرد. رژیم غاصبی که امروز در سرزمین فلسطین بر سر کار است، هیچ حقی بر این سرزمین ندارد؛ یک رژیم جعلی، دروغین و ساخته دست قدرتهای ظالم است. بنابراین از مردم فلسطین نباید بخواهند این رژیم را به رسمیت بشناسند. اگر کسی در دنیای اسلام این اشتباه را بکند و این رژیم ظالم را به رسمیت بشناسد، علاوه بر این که برای خود روسیاهی و ننگ به وجود خواهد آورد، کار بی‌فایده‌ای هم کرده است؛ چون این رژیم قابل دوام نیست. صهیونیستها خیال می‌کنند توانسته‌اند بر فلسطین مسلط شوند و تا ابد فلسطین متعلق به آنهاست؛ نخیر؛ این طور نیست. سرنوشت فلسطین این است که قطعا یک روز کشور فلسطین خواهد شد. ملت فلسطین در این راه قیام کرده است. وظیفه ملتها و دولت‌های مسلمان این است که این فاصله را هر چه بیشتر کم کنند و کاری کنند که ملت فلسطین به آن روز برسد.

بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر / ۱۳۸۲/۰۹/۰۵

اگر کسی مسائل فلسطین را هرچه بیشتر مرور و تعمق کند، بیشتر این معنا برایش واضح می‌شود که دولت آمریکا و صهیونیستها در فلسطین به بن‌بست کامل رسیده‌اند؛ نه راه پیش رفتن دارند، نه راه عقب‌گرد کردن؛ محکوم به شکست هستند. نسل نوحاسته فلسطین بیدار شده و فهمیده است که راه نجات از دست دشمن اشغالگر چیزی جز مبارزه نیست؛ فهمیده است که حضور در جلسات جهانی و برطبق میل اشغالگران و حامیان آنها حرف زدن، راه نجات فلسطین نیست؛ فهمیده است باید بایستد، بخواهد، همت و فداکاری کند، تا به هدف برسد. این را ملت فلسطین از بن دندان دانسته و فهمیده است؛ لذا مقاومت می‌کند. وقتی سرچشمه این احساس از منشا دینی و اعتقاد به توحید ناشی شود - که امروز بحمدالله در فلسطین این‌طور است - هرگز خشک نخواهد شد. امیدواریم خدای متعال روز پیروزی فلسطینها را هرچه نزدیکتر بفرماید.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۲/۰۵/۲۸

عقب‌نشینی صهیونیستها از غزه بعد از ۲۸ سال اشغال غزه، حادثه‌ی بسیار مهمی است. جالب است بدانید که این عقب‌نشینی یک انتخاب نبود که رژیم صهیونیستی انجام داد؛ این یک شکست و یک اجبار بود؛ از روی ناچاری و ناگزیری بود. الان فشار روانی این شکست روی همه‌ی ارکان ملت و دولت صهیونیستی اثر گذاشته و آنها را دارد تکان می‌دهد. بعضی از آنها قهر می‌کنند، بعضی‌شان اعتراض می‌کنند. چند روز پیش یک تظاهرات دویست هزار نفره در تل‌آویو به راه انداختند. متلاطمند، اما چاره‌ی نداشتند. عده‌ی می‌خواهند وانمود کنند که این عقب‌نشینی بر اثر مذاکره بود؛ این حرف خیلی کودکانه است. در طول ۷۰ سال اشغال فلسطین، صهیونیستها از یک متر خاک اشغالی با مذاکره عقب ننشستند؛ مذاکره کدام است؟! این عقب‌نشینی بر اثر مقاومت فلسطینی‌ها بود. حادثه‌ی اول، عقب‌نشینی و فرار از جنوب لبنان بود؛ این هم حادثه‌ی دوم است که بر اثر مقاومت پیش آمد. ملت فلسطین بدانند، گروه‌های جهادی فلسطین بدانند؛ در این دام نیفتند که خیال کنند مذاکره غزه را آزاد کرد؛ نخیر، مذاکره غزه را آزاد نکرد؛ هیچ نقطه‌ی دیگر را هم آزاد نکرد؛ تا ابد هم هیچ جا را آزاد نخواهد کرد. آنچه غزه را آزاد کرده، فشار مقاومت ملت فلسطین بوده است؛ آنها ناچار شدند.

نکته‌ی مهم دیگر این است که مساله‌ی فلسطین با این عقب‌نشینی‌ها حل نخواهد شد؛ این را بدانند. هم آمریکا بدانند، هم صهیونیستها بدانند، هم کسانی که حالت دلالی دارند و به شکل دلال دارند عمل می‌کنند، بدانند که مساله‌ی فلسطین این‌طوری حل نخواهد شد. این که از یک قسمت عقب‌نشینی کنند، بعد قضیه تمام شود، این نمی‌شود. کسی بیاید خانه‌ی شما را به زور اشغال کند، بعد از مدتی یک اتاق کوچک را آن گوشه‌ی خانه به شما بدهد، بقیه‌ی خانه را هم به اسم خودش ثبت کند؛ مگر می‌شود چنین چیزی؟ فلسطین را گرفته‌اند؛ حالا ناچار شده‌اند از گوشه‌ی آن گوشه‌ی فلسطین عقب‌نشینی کنند؛ کسی بگوید خیلی خوب، حالا که این‌جا را دادید، پس دیگر بقیه‌ی فلسطین مال شما! مگر می‌شود چنین چیزی؟ مساله‌ی فلسطین این‌طوری حل نخواهد شد. مساله‌ی فلسطین فقط یک راه دارد؛ همان چیزی که ما چند سال پیش اعلام کردیم: از فلسطینی‌های اصل - چه آنهايي که داخل فلسطین هستند، چه آنهايي که در اردوگاه‌ها هستند، چه آنهايي که در کشورهای دیگر هستند؛ چه مسلمان باشند، چه یهودی باشند، چه مسیحی باشند، فرقی نمی‌کند؛ فلسطینی باشند - نظرخواهی کنند؛ هر دولتی که آنها خواستند، سر کار بیاید. آن دولت اگر مسلمان باشد، اگر مسیحی باشد، اگر یهودی باشد، اگر مخلوط باشد، چنانچه برخاسته‌ی از آرا خود فلسطینی‌ها باشد، مورد قبول است و مساله‌ی فلسطین را حل خواهد کرد. بدون این، مساله‌ی فلسطین حل نخواهد شد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۵/۰۷/۲۱

این جنگ سی و سه روزه، یک طرف پیروزمند داشت، یک طرف شکست خورده. خوب معلوم است طرف پیروزمند، حزب‌الله لبنان، مقاومت لبنان، ملت لبنان و درواقع امت اسلامی بودند. همه‌ی ملتها خوشحال شدند. شنیدید و واقعیت همین است که امروز نام حزب‌الله و رهبر آن در دنیای اسلام و کشورهای عربی و بین‌المللی، جزو شیرینترین نامهاست. افرادشان جزو محبوبترین انسانها هستند. در کشور خود ما هم همین‌طور است. در ترکیه، مصر، شمال آفریقا و در کشورهای اسلامی، همه‌جا همین‌طور است. این نشان‌دهنده‌ی این است که همه‌ی دنیای اسلام خودشان را در این پیروزی سهیم میدانند. طرف شکست خورده، البته صهیونیستها بودند؛ دولت جعلی اسرائیل بود؛ اما هیچ‌کس در دنیا نماند که آمریکا را هم جزو طرفهای شکست خورده نداند. اروپاییها هم این را تصریح کردند، دیگران هم گفتند، خود امریکاییها هم با زبان بی‌زبانی به شکلهای مختلف، گفتند. آمریکا هم در این قضیه شکست خورد. بدیهی است اینها در سطوح مختلف، وابستگی‌های هم در منطقه دارند؛ آنها هم جزو جناح شکست خورده محسوب میشوند. همان که عرض کردیم، این پیروزی از یک طرف و شکست از یک طرف، یک حادثه‌ی بزرگ بود و عبرتهایی هم با خودش دارد که ملتها - چه دشمنان بخواهند، چه نخواهند - از این عبرتها استفاده خواهند کرد؛ یعنی ملت فلسطین، ملت عراق، ایران و ملتهای دیگر، همه به چشم خودشان دیدند که راه مقاومت و ایستادگی، تنها راه پیروزی است؛ راه دیگری وجود ندارد؛ ولو مقاومت کنند یک گروه کوچک باشد؛ ولو آن قدرتی که در مقابل آن مقاومت میشود، ارتش درجه‌ی یک دنیا باشد و از طرف آمریکا هم حمایت بشود. هرچه باشد، این یک راز و سنت الهی است.

بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر / ۱۳۸۶/۰۷/۲۱

اولین مطلبی که در خطبه دوم باید عرض کنم، سیاست فراوان از ملت ایران به خاطر راهپیمایی روز قدس است. حقیقتا باید گفت: درود بر ملت ایران! عظمت ملی خود را، عظمت جایگاه اسلامی خود را، عزت خود را به دنیا نشان دادید. نقش این راهپیمائیا بسیار زیاد است. استعمارگران از وقتی فلسطین را اشغال کردند، هدفشان این بود که نام و یاد فلسطین را به فراموشی بسپزند؛ اصلا مردم دنیا و نسلهای بعدی فراموش کنند که روزی یک سرزمینی در دنیا بوده است، یک کشوری بوده است به اسم فلسطین؛ هدفشان این بود. بعد که نتوانستند و این قیام عظیم ملت فلسطین - چه در انتفاضه اول و چه در انتفاضه مسجداالاقصی - بار دیگر این شعله را در دنیا برافروخته کرد و دل‌های ملتها و آحاد مردم و منصفان عالم را به خود متوجه کرد، راه علاج را این دانستند که مجموعه عرب فلسطینی را در گوشه‌ای از این سرزمین، در واقع زندانی کنند؛ محصور کنند و کشور آباد پرنعمت فلسطین و منطقه حساس فلسطین را به طور خالص در اختیار صهیونیستها و با هویت صهیونیستی نگه دارند و عربها را به طرف غزه و ساحل غربی برانند.

امروز هم وقتی به رفتار صهیونیستها نگاه کنید، می‌بینید هدفشان این است که هر چه میتوانند، این انگیزه‌های ایستادگی و استقامت را در مردم فلسطین نابود کنند؛ همه کارهاشان با این سیاست است: انگیزه مقاومت از بین برود. ولی مردم فلسطین ایستاده‌اند. اول مبارزه را رها نکردند، ثانيا دولتی را با آرا خودشان سر کار آوردند که این دولت، شعارش ایستادگی و مقاومت و مبارزه با اشغالگران است و با همه فشارهایی هم که در این یکی دو سال اخیر بر این دولت و مردم آن منطقه وارد کردند، اینها محکم ایستاده‌اند؛ دارند مقاومت میکنند. ولی یک ملت تنها، منزوی در یک گوشه، بدون دسترسی به هیچ نقطه‌ای از نقاط عالم، غیر از امید به خدا باید دلخوشیهای داشته باشد. این شعار عظیم ملتهای مسلمان به نفع فلسطین، به آنها روحیه میدهد؛ دل‌های آنها را برای استقامت بیشتر آماده میکند. علاوه بر اینکه افکار عمومی دنیا را به حقانیت داعیه فلسطین آشنا میکند.

بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۸۶/۱۱/۱۹

ملت غزه، ملت فلسطین امروز با قدرت ایستاده‌اند؛ جای تحسین دارد؛ حقیقتا باید این ملت را تحسین کرد. زیر این فشار عظیم اقتصادی از یک طرف، و تهاجم و کشتار و فاجعه آفرینی و تخریب و حملات گوناگون، آتشباری بر روی زن و کودک از یک طرف دیگر، در عین حال این ملت ایستاده‌اند. هدف آنها این است که بین این ملت و بین دولت منتخبشان جدائی بیندازند و هر کار میخواهند بکنند و آن سیاست را اجرا کنند. نشسته‌اند آن کنفرانس تاریخی را - که کنفرانس بسیار تنگینی بود برای این منطقه - راه انداختند، نتیجه‌اش شد این. نتیجه نشستن با امریکا و با صهیونیست غاصب و درباره منطقه رابزنی کردن و تصمیم‌گیری کردن، همین است. رئیس جمهور امریکا آمد منطقه و رفت، این آتش به جان مردم و زن و کودک منطقه غزه افتاد؛ این محاصره، این کشتار.

مذاکره کردن با اینها - در حالی که هدف آنها روشن است در این منطقه - چه فایده‌ای دارد؟ دولتهای اسلامی باید تصمیم بگیرند؛ محاصره غزه را باید ابطال کنند. ملت و دولت مصر در این زمینه وظیفه بزرگی برعهده دارند؛ همه ملتهای مسلمان هم بایستی کمک کنند تا دولت و ملت مصر بتواند به وظیفه خودش در این زمینه عمل کند. یک زندان بزرگ یک میلیون و نیمی درست کنند و زن را، کودک را، بچه را، از گرسنگی، از بی‌سیری، از تشنگی، از نبودن سوخت، از نبودن گرما در زمستان سخت، آنجور بیازارند، مزارعشان را نابود کنند، باغاتشان را نابود کنند، تجارتشان را از بین ببرند؛ به اینها اکتفا نکنند؛ حملات هوایی و زمینی هم بکنند. این قابل تحمل است؟ نباید غاصبان و پشتیبانانشان بتوانند از عناصر دیگری از فلسطینی‌ها علیه این مردم مظلوم استفاده کنند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، این ننگ بر روی پیشانی آنها تا ابد خواهد ماند. نباید از دولتهای عرب بتوانند در این زمینه استفاده کنند. این یک مسئله بسیار مهم است. راهی هم که ملت فلسطین برگزیده است، همان راه درست است؛ یعنی راه مقاومت، راه ایستادگی و همین است که بالاخره ملت فلسطین را نجات خواهد داد.

بیانات در دیدار مردم لار / ۱۳۸۷/۰۲/۱۹

گره مسئله فلسطین با دخالت آمریکائی‌ها باز نمیشود؛ کورتر میشود. هرچه آمریکائی‌ها در این قضیه دخالت کنند، گره را کورتر میکنند. ملت فلسطین، ملت بیداری است؛ ملت آزاده‌ای است؛ ملت روشن‌فکری است. دولتی انتخاب کرده است، بگذارید آن دولت با پشتیبانی آن ملت کارهای خودش را بکند. دخالت آنها، آن هم دخالت یکجانبه، زورگویانه، به نفع رژیم غاصب صهیونیستی، هرچه میگردد، ماجرای فلسطین را دشوارتر میکند. البته این مسائل حل خواهد شد؛ هم مسئله عراق حل خواهد شد، هم مسئله فلسطین حل خواهد شد؛ اما آن روزی حل خواهد شد که با حل این مسائل، از حیثیت و هویت و موجودیت استکبار آمریکائی هم دیگر چیزی باقی نخواهد ماند.

بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین / ۱۳۸۷/۱۲/۱۲

مغالطه بزرگی که در قضیه فلسطین بر ذهن برخی از دست‌اندرکاران جنگ انداخته این است که کشوری بنام اسرائیل یک واقعیت شصت ساله است و باید با آن کنار آمد. من نمیدانم اینها چرا از واقعتهای دیگری که در برابر چشم آنان است درس نمیگیرند؟ مگر کشورهای بالکان و قفقاز و آسیای جنوب غربی پس از هشتاد سال بی‌هویتی و تبدیل به بخشهایی از شوروی سابق، بار دیگر هویت اصلی خود را باز نیافتند؟ چرا فلسطین که پاره‌ی تن جهان اسلام است نتواند بار دیگر هویت اسلامی و عربی خود را بازیابد؟ و چرا جوانان فلسطینی که در شمار باهوشترین و مقاومترین جوانان عربند نتوانند اراده خود را بر این واقعیت ظالمانه فائق گردانند؟

مغالطه بزرگ دیگر آن است که گفته شود تنها راه نجات ملت فلسطین، مذاکره است! مذاکره با کی؟ با رژیم غاصب و زورگو و گمراهی که جز به زور، به هیچ اصل دیگری معتقد نیست؟ آنان که به این بازیچه و فریب خود را دلخوش کردند چه به دست آوردند. آنچه آنها به عنوان حکومت خودگردان از صهیونیستها گرفتند، با صرفنظر از ماهیت تحقیرآمیز و اهانتهای آن، اولاً با هزینه سنگین اعتراف به مالکیت رژیم غاصب بر تقریباً سراسر فلسطین تمام شد، ثانيا همان حکومت نیم‌بند و دروغین را هم با بهانه‌های واهی در مواردی زیر پای خود لگد کوب کردند؛ محاصره‌ی یاسر عرفات در ساختمان مدیریتش در رام‌الله و انواع تحقیر و تذلیل او حادثه‌ای نیست که فراموش شود.

ثالثاً؛ چه در زمان عرفات و چه بویژه پس از او با مسئولان حکومت خودگردان مانند روسای کلانتریهای خود رفتار کردند که وظیفه‌شان تعقیب و دستگیری مجاهدان فلسطینی و محاصره‌ی اطلاعاتی و پلیسی آنهاست، و بدینصورت تخم کینه را در میانه‌ی گروههای فلسطینی پاشیدند و آنها را به جان یکدیگر انداختند. و رابعاً؛ همان اندازه دستاورد ضعیف هم فقط بپرکت جهاد مجاهدان و مقاومت غیور مردان و زنان تسلیم‌ناپذیر بود. اگر انتفاضه‌ها رخ نمیداد صهیونیستها با وجود تنازل پی‌درپی روسای سنتی فلسطین در برابر آنها، همین اندازه را هم هرگز به آنان نمیدادند.

بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین / ۱۳۸۷/۱۲/۱۲

نجات فلسطین با دربروزگی از سازمان ملل یا از قدرتهای مسلط و به طریق اولی از رژیم غاصب به دست نمی‌آید، راه نجات فقط ایستادگی و مقاومت است، با توحید کلمه‌ی فلسطینیان و کلمه‌ی توحید که ذخیره‌ی بی‌پایان حرکت جهادی است. ارکان این مقاومت، از سوئی گروههای مجاهد فلسطینی و آحاد مردم مومن و مقاوم فلسطین در داخل و خارج آن کشورند؛ و از سوئی دیگر، دولتها و ملتهای مسلمان در سراسر جهان، بویژه عالمان دینی و روشنفکران و نخبگان سیاسی و دانشگاهیان. اگر این دو رکن مستحکم در جای خود قرار گیرند، بیشک وجدانهای بیدار و دلها و اندیشه‌هایی که افسون تبلیغات امپراتوری خبری استکبار و صهیونیزم، آنها را مسخ نکرده، در هر نقطه‌ی عالم به یاری ذیحق و مظلوم خواهند شناخت و دستگاه استکبار را در برابر طوفانی از اندیشه و احساس و عمل قرار خواهند داد.

نمونه‌ی این حقیقت را در طول روزهای اخیر مقاومت پرشکوه غزه همه دیدیم. گریه‌ی رئیس غربی یک سازمان خدماتی بین‌المللی در برابر دوربین رسانه‌ها، اظهارات همدردانه فعالان سازمانهای بشردوستانه، تظاهرات بزرگ و صمیمی مردم در قلب پایتخت‌های اروپائی و شهرهای امریکا، اقدام شجاعانه‌ی روسای

چند دولت در امريکا لاتين، همه و همه نشانه‌ی آن است که دنياي غيرمسلمان نيز هنوز به دست نيروهاي شرافرين و فسادآفرين - که نام قرآنی آنها شيطان است - به طور کامل تسخير نشده و هنوز ميدان برای جولان حقيقت، باز است. آری، مقاومت و صبر مجاهدان و مردم فلسطين و حمايت و کمک همه‌جانبه به آنان از سراسر کشورهای اسلامی خواهد توانست طلسم شيطانی غضب فلسطين را بشکند. انرژی عظيم امت اسلامی ميتواند مشکلات جهان اسلام و از جمله، مشکل حاد و فوری فلسطين را حل کند.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه همایش غزه / ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

من عرض اين است که اين استقامت را، اين روحيه را بايد در مردم هر چه ميتوانيد پايدار کنيد. شما گفتيد و درست هم گفتيد: تنها راه حل مسئله فلسطين، مقاومت است و مبارزه است. اين، درست است؛ لکن اين مقاومت و مبارزه، متوقف است بر حفظ روحيه‌ی اين مردم، حفظ اميد اين مردم، نگه داشتن مردم در صحنه. اين، به نظر من بزرگ‌ترين کاری است که مجموعه‌های فلسطينی و سازمانهای فلسطينی، مبارزان فلسطينی بايد انجام بدهند. اين فشارهائی که امروز از هر دو طرف، چه از طرف دشمن صهيونيست، چه از آن طرف، بر غزه وارد ميشود، به قصد اين است که مردم را از مقاومت روگردان کنند. فشارهائی که در ساحل غربی بر مردم وارد ميشود؛ چه در شهرک‌سازي‌ها، چه در مسئله قدس - که ايشان بيان کردند - چه آن سختگيري‌های عجيب، چه در ديوار حائل و امثال اينها، برای اين است که مردم را از مقاومت روگردان کنند و به سمت گزينه‌ی تسليم، سوق بدهند. نبايد بگذاريم؛ نبايد بگذاريد که اين اتفاق بيفتد. مردم فلسطين را، مردم غزه را، اين ملت مقاوم و پولادين را بايد اميدوار نگه داريد و بدانند که اين حرکت عظيم آنها به نتيجه خواهد رسيد. اين، يک نکته است که به نظر من خيلي مهم است.

نکنه‌ی ديگر اين است که ما آنچه که در قضيه‌ی فلسطين از پيشرفت مشاهده ميکنيم - که اين پيشرفت قابل انکار نيست - اقتدار روزافزون جبهه‌ی مقاومت در مقابل جبهه‌ی استکبار و کفر است که امر مشهود و واضحي است. آنچه در اين زمينه ملاحظه ميشود، ناشی از ايمان به خدا و توکل به خدا و وارد کردن عنصر معنويت در مبارزه است. اگر يک مبارزه با عنصر ايمان همراه نباشد، آسیب‌پذير ميشود. آن وقتی مبارزه موفق خواهد شد که در او ايمان به خدا و توکل به خدا وجود داشته باشد. روحيه‌ی دين را و ايمان حقيقي به وعده‌ی الهی و توکل به خداي متعال را بايد در مردم تقويت کنيد؛ حسن‌ظن به خداي متعال و به وعده‌ی الهی را بايد در مردم تقويت کنيد. خود ما هم بايستی به خداي متعال حسن‌ظن داشته باشيم. خداي متعال اصدق الفائلين است؛ او به ما ميگويد: «لينصرن الله من ينصره»؛ او به ما ميفرمايد که: «من كان لله كان الله له»؛ او ميگويد که: از دشمن نهراسيد، «ان كيد الشيطان كان ضعيفا». او به ما اين را تلقين ميکند؛ بيان ميکند. خداوند متعال صادق است. ما اگر به وظيفه‌ی خودمان در اين راه عمل بکنيم، برای خدا حرکت کنيم، برای خدا مبارزه کنيم، هدف را رضای خدا قرار بدهيم، بدون شک پيروزی نصيب خواهد شد.

من به شما عرض کنم: پيروزی ملت فلسطين در بازگرداندن حق خود، دشوارتر نيست از پيروزی‌ای که ملت ايران در ايجاد جمهوری اسلامی در ايران داشت. آن روز - روزی که طاغوت بر اين کشور حکومت ميکرد - اگر کسی نگاه ميکرد به صحنه‌ی عالم و به صحنه‌ی منطقه، جزو محالات قطعی بود که رژيم طاغوت در اينجا تغيير پيدا کند، آن هم اينکه تبديل بشود به يک نظام اسلامی. اين، جزو محالات به نظر می‌آمد و به حسب موازين طبيعی، به حسب موازين عادی، چنين چیزی ممکن نبود؛ مقدور نبود. قدرت بی‌کلام امريکا در اين منطقه و حمايت بی‌قيد و شرطش از رژيم شاه، نداشتن هيچ گونه امکاني برای مبارزين در اينجا - يعنی امکانات ما آن روز در حال مبارزه، بسيار کمتر بود از امکاناتی که امروز مردم شما در غزه دارنند يا در ساحل غربی دارنند - در عين حال اين اتفاق افتاد، اين محال ممکن شد و واقع شد؛ به برکت تداوم مبارزه، به برکت توکل به خدا، به برکت رهبری عازم و جازم و قاطع امام بزرگوارمان. من ميگويم اين اتفاق در مورد فلسطين ممکن است پيش بيايد. بعضی نگاه ميکنند به صحنه، قدرت امريکا را نگاه ميکنند، پشتيبانی غرب را از صهيونيستها نگاه ميکنند، قدرت شبکه‌های مالی صهيونيستها را در امريکا و در ساير نقاط عالم می‌بينند، قدرت تبليغاتی‌شان را می‌بينند، به نظرشان می‌آيد که برگرداندن فلسطين به فلسطينی‌ها يک امر ناممکنی است. من ميگويم نه، اين امر ناممکن، ممکن خواهد شد؛ به شرط ايستادگی و استقامت. خداي متعال ميفرمايد که: «فلذلک فادع و استقم كما امرت». استقامت لازم است، ايستادگی لازم است، ادامه دادن راه لازم است. اين ادامه دادن راه، یکی از مقدماتش همين گردهم‌آئي‌های شماس، هماهنگی‌های شماس، تبليغات جهانی شماس؛ همين حرفهائی که آقایان زديد و همه درست است. اين پيشنهادهای همه لازم است و همه درست است؛ اينها لازم است. افکار عمومی دنيا را اينها مسموم کردند.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه همایش غزه / ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

مسئله غزه و مسئله فلسطين، مسئله ماست؛ مسئله اسلامی ماست؛ مسئله همه‌ی مسلمين است و وظيفه‌ی ماست. آنچه که انجام هم ميدهيم، وظيفه‌ی ماست؛ بر کسی هم منت نداريم؛ وظائفمان را انجام داديم. از خداي متعال هم ميخواهيم که کمک کند، بتوانيم وظائفمان را انجام بدهيم؛ لکن شما دوستانى که اينجا حضور داريد، روی همين حرفهائی که اين آقایان زدند: اينی که اصل، مبارزه است؛ اينکه هيچ راه حلی جزو مقاومت در قضيه‌ی فلسطين وجود ندارد، روی اين حرفه‌ی ايستادگی کنيد. اين حرفه‌ها را صريحاً بزنيد؛ نگذاريد مجاملات سياسی و جوسازي‌های سياسی بر اين منطق غلبه پيدا کند. هر کسی از فلسطينی‌ها که از راه مقاومت پايش را کنار گذاشت، ضرر کرد. اسرائيل در خواست صلح صادق نيست؛ اگرچه اگر صادق هم بود، غلط ميکرد و او در اينجا حق ندارد؛ اما صادق هم نيست. آن کسانی که در راه مذاکره وارد شدند، مجبور شدند تحميلات دشمن را قبول کنند. اگر يک لحظه پايشان را از مسير تحميلات دشمن دور گذاشتند، يا حذف شدند يا تحقير شدند؛ که شما نمونه‌های هر دواش را ملاحظه کرديد وديديد. بعضی‌ها را حذف کردند، بعضی‌ها را هم تحقير و تدری کردند. راه قدس، راه فلسطين، راه نجات مسئله فلسطين و حل مسئله فلسطين، جز راه مبارزه نيست، که آقایان اين را گفتند و من خوشحالم از اينکه می‌بينم اين مسئله در جمع شماها مورد اتفاق است و همه آن را قبول داريد. آن کسی که اين راه را قبول ندارد، چه دانسته و چه ندانسته، دارد به مسئله فلسطين ضربه ميزند. اگر دانسته باشد، اسمش خيانت است؛ اگر ندانسته باشد، اسمش جهل و غفلت است؛ علی‌حال ضربه است به مسئله فلسطين؛ ضربه ميزند به مسئله فلسطين. فلسطين هيچ راهی جز مقاومت ندارد؛ اين را بايد بگويند، بايد بخواهند؛ دولتهای اسلامی هم بايد همين را تکرار کنند. البته بسياری از دولتهای عرب، در قضيه غزه و قبل از او در قضایای ديگر، امتحان بسيار بدی دادند؛ بسيار امتحان بدی دادند. هر وقت صحبت مسئله فلسطين شد، هي گفتند مسئله فلسطين مسئله عربی است! آن وقتی که وقت عمل آمد، مسئله فلسطين بکلی از همه‌ی معادلاتشان حذف شد و به جای اينکه به فلسطين کمک کنند، به فلسطينی‌ها کمک کنند، به برادر عرب خودشان کمک کنند - اگر به اسلام هم عقیده ندارند، اقلاً به عربيت خودشان پايبند باشند - همه از ميدان عقب کشيدند! بسيار امتحان بدی دادند. اينها هم در تاريخ خواهد ماند. و اين سزاهای و جزاهای مربوط به آخرت فقط نيست، در دنيا هم اينجور است. همچنانی که نصرت خداوند نسبت به شماها که داريد مبارزه ميکنيد، مال آنجا نيست. در همين آيه‌ای که خواندند - که آقای خالد مشعل هم تکرار کردند - ملائکه ميگويند: «نحن اولياؤكم في الحياه الدنيا و في الآخرة». بنا بر اين فقط برای آخرت نيست، در دنيا هم ملائکه الله، فرشتگان الهی و فوای معنوی الهی کمک ميکنند آن کسانی که: «قالوا ربنا الله ثم استقاموا». اينها کمک ميکنند.

بیانات در مراسم بيست و دومين سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۰/۰۲/۱۲

موضع ما در مقابل فلسطين هم موضع روشنی است. ما معتقديم سرزمين فلسطين، کشور فلسطين، يکجا متعلق به فلسطينی‌هاست. آن کسانی که سعی کردند نقشه‌ی فلسطين را از روی صفحه‌ی جغرافيا پاک کنند، اشتباه کردند؛ چنين اتفاقی نخواهد افتاد. فلسطين باقی است. چند دهه‌ای غاصبان آن را غضب کردند، اما بدون تردید دوباره به مردم فلسطين و به آغوش اسلام برخواهد گشت؛ و اين اتفاق خواهد افتاد. مردم فلسطين هم بيدارند. فلسطين تجزيه‌پذير هم نيست؛ فلسطين يکپارچه متعلق به فلسطينيان است. جمهوری اسلامی از چند سال پيش راه حل را اعلام کرده است. راه‌حل مسئله فلسطين، اين راه‌حلهای

آمریکایی و امثال آنها نیست؛ اینها راه به جانی نخواهد برد. راه حل این است که یک رفراوندوم و همه‌پرسی‌ای از مردم فلسطین انجام بگیرد؛ هر رژیم را که آنها بر طبق رفراوندوم رای دادند، آن رژیم باید بر کل فلسطین حاکم شود. بعد آنها خودشان تصمیم خواهند گرفت که با این صهیونیست‌هایی که از خارج وارد کشور فلسطین شدند، چه معامله‌ای بکنند؛ این بسته به نظر آن رژیم است که برخاسته از آرا مردم فلسطین است.

بیانات در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین / ۱۳۹۰/۰۷/۰۹

طرح جمهوری اسلامی برای حل قضیه فلسطین و التیام این زخم کهنه، طرحی روشن، منطقی و منطبق بر معارف سیاسی پذیرفته شده‌ی افکار عمومی جهانی است که قبلا به تفصیل ارائه شده است. ما نه جنگ کلاسیک ارتش‌های کشورهای اسلامی را پیشنهاد میکنیم، و نه به دریا ریختن یهودیان مهاجر را، و نه البته حکمیت سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی را؛ ما همه‌پرسی از ملت فلسطین را پیشنهاد میکنیم. ملت فلسطین نیز مانند هر ملت دیگر حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند و نظام حاکم بر کشورش را برگزیند. همه‌ی مردم اصلی فلسطین، از مسلمان و مسیحی و یهودی - نه مهاجران بیگانه - در هر جا هستند؛ در داخل فلسطین، در اردوگاه‌ها و در هر نقطه‌ی دیگر، در یک همه‌پرسی عمومی و منضبط شرکت کنند و نظام آینده‌ی فلسطین را تعیین کنند. آن نظام و دولت برآمده‌ی از آن، پس از استقرار، تکلیف مهاجران غیر فلسطینی را که در سالیان گذشته به این کشور کوچ کرده‌اند، معین خواهد کرد. این یک طرح عادلانه و منطقی است که افکار عمومی جهانی آن را بدرستی درک میکند و میتواند از حمایت ملتها و دولتهاک مستقل برخوردار شود. البته انتظار نداریم که صهیونیست‌های غاصب به آسانی به آن تن در دهند، و اینجاست که نقش دولتها و ملتها و سازمان‌های مقاومت شکل میگیرد و معنی می‌یابد. مهمترین رکن حمایت از ملت فلسطین، قطع پشتیبانی از دشمن غاصب است؛ و این وظیفه‌ی بزرگ دولتهاک اسلامی است.

اکنون پس از به میدان آمدن ملتها و شعارهای قدرتمندانه‌ی آنان بر ضد رژیم صهیونیست، دولتهاک مسلمان با چه منطقی روابط خود با رژیم غاصب را ادامه میدهند؟ سند صداقت دولتهاک مسلمان در جانبداری‌شان از ملت فلسطین، قطع روابط آشکار و پنهان سیاسی و اقتصادی با آن رژیم است. دولتهاک که میزبان سفارتخانه‌ها یا دفاتر اقتصادی صهیونیست‌ها نیستند، نمیتوانند مدعی دفاع از فلسطین باشند و هیچ شعار ضد صهیونیستی از سوی آنان، جدی و واقعی تلقی نخواهد شد.

سازمان‌های مقاومت اسلامی که بار سنگین جهاد را در سالهای گذشته بر دوش داشته‌اند، امروز نیز با همان تکلیف بزرگ روبه‌رویند. مقاومت سازمان‌یافته‌ی آنان، بازوی فعالی است که میتواند ملت فلسطین را به سوی این هدف نهایی به پیش ببرد. مقاومت شجاعانه از سوی مردمی که خانه و کشورشان اشغال شده، در همه‌ی میثاق‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و مورد تحسین و تجلیل قرار گرفته است. تهمت تروریسم از سوی شبکه‌ی سیاسی و رسانه‌ای وابسته به صهیونیسم، سخن پوچ و بی‌ارزشی است. تروریست آشکار، رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آنهایند؛ و مقاومت فلسطینی، حرکتی ضد تروریست‌های جرار و حرکتی انسانی و مقدس است.

بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد / ۱۳۹۱/۰۶/۰۹

رژیم صهیونیستی که با به راه انداختن جنگ‌های فاجعه‌بار و کشتار مردم و اشغال سرزمین‌های عربی و سازماندهی تروریسم دولتی در منطقه و جهان، دهها سال ترور و جنگ و شرارت به راه انداخته، ملت فلسطین را که برای احقاق حق خود به پا خاسته و مبارزه میکند، تروریست مینامد و شبکه‌ی رسانه‌های متعلق به صهیونیسم و بسیاری از رسانه‌های غربی و مزدور نیز با زیر پا گذاشتن تعهد اخلاقی و رسانه‌ای، این دروغ بزرگ را تکرار میکنند. سردمداران سیاسی مدعی حقوق بشر نیز چشم بر این همه جنایت بسته و بدون شرم و پروا، از آن رژیم فاجعه‌آفرین حمایت کرده و در نقش وکیل مدافع آن ظاهر میشوند. سخن ما آن است که فلسطین متعلق به فلسطینی‌ها است و ادامه‌ی اشغال آن، ظلمی بزرگ، تحمل‌ناپذیر و خطری عمده برای صلح و امنیت جهانی است. همه‌ی راه‌هایی که غریبها و وابستگان آنها برای «حل مسئله فلسطین» پیشنهاد کرده و پیموده‌اند، غلط و ناموفق بوده است و در آینده نیز چنین خواهد بود. ما راه‌حلی عادلانه و کاملا دموکراتیک را پیشنهاد کرده‌ایم: همه‌ی فلسطینی‌ها، چه ساکنان کنونی آن، و چه کسانی که به کشورهای دیگر رانده شده و هویت فلسطینی خود را حفظ کرده‌اند، اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی، در یک همه‌پرسی عمومی، با نظارتی دقیق و اطمینان‌بخش شرکت کنند و ساختار نظام سیاسی این کشور را انتخاب نمایند و همه‌ی فلسطینیانی که سالها رنج آوارگی را تحمل کرده‌اند، به کشور خود باز گردند و در این همه‌پرسی و سپس تدوین قانون اساسی و انتخابات، شرکت نمایند. آنگاه صلح برقرار خواهد شد.

بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۹۳/۰۵/۰۱

این منطقی که امام بزرگوار مطرح کردند که «اسرائیل باید از بین برود»، یک منطق انسانی است؛ ما سازوکار عملی آن را هم به دنیا ارائه کردیم، که کسی هم نتوانست هیچ ایراد منطقی بگیرد. ما گفتیم از این مردمی که در این منطقه زندگی میکنند و اهل اینجا هستند و متعلق به خود اینجا هستند، یک نظرسنجی و نظرخواهی بشود؛ یعنی یک رفراوندوم انجام بگیرد، رژیم حاکم بر این منطقه را رفراوند معین کند، مردم معین کنند؛ معنای از بین رفتن رژیم صهیونیستی یعنی این؛ سازوکار آن این است؛ یک کاری است که منطق امروز دنیا آن را درک میکند و میفهمد و می‌پسندد و کاری است عملی. ما حتی شکل آن را هم در ارتباط با سازمان ملل و بعضی از مراجع بین‌المللی تعیین کردیم و ابراز کردیم، محل بحث هم واقع شد؛ یعنی این رژیم وحشی و گرگ‌صفت که سیاستش این است که با مشت آهنین، با بی‌رحمی و سنگ‌دلی با مردم رفتار بکند و آدم‌کشی و کودک‌کشی و حمله‌ی به مناطق و ویرانگری اصلا برایش مهم نیست و انکار هم نمیکند، علاجش جز از بین رفتن و نابود شدن نیست؛ که اگر ان‌شالله آن روز فرارسید و نابود شد، که چه بهتر؛ [اما] تا وقتی که این رژیم جعلی سرپا است و نابود نشده است، علاج چیست؟ علاج، مقاومت قاطع و مسلحانه‌ی در مقابل این رژیم است؛ در مقابله‌ی با رژیم صهیونیستی، باید از سوی فلسطینی‌ها دست قدرت نشان داده بشود. کسی گمان نکند که اگر چنانچه موشک‌های غزه نبود، رژیم صهیونیستی کوتاه می‌آمد؛ نخیر. حالا شما نگاه کنید ببینید در کرانه‌ی باختری چه میکنند! در کرانه‌ی باختری که موشکی وجود ندارد، سلاحی وجود ندارد، تفنگی وجود ندارد؛ آنجا تنها ابزار و سلاح مردم، سنگ است؛ ببینید آنجا رژیم صهیونیستی دارد چه‌کار میکند؛ هرچه از دستش بر بیاید، خانه‌های مردم را خراب میکند، باغ‌های مردم را خراب میکند، زندگی مردم را نابود میکند، آنها را به خواری و ذلت میکشاند، تحقیر میکند؛ اگر لازم شد آب را رویشان میندند، برق را رویشان میندند؛ کسی مثل یاسر عرفات را که این‌همه با صهیونیست‌ها همراهی کرد، نتوانستند تحمل کنند، محاصره‌اش کردند، تحقیرش کردند، مسمومش کردند، نابودش کردند. این‌جور نیست که اگر چنانچه دست قدرت در مقابل صهیونیست‌ها نشان ندهیم، آنها به کسی رحم کنند، ملاحظه‌ی کسی را نکنند، حق کسی را رعایت نکنند، ابتدا؛ تنها علاجی که تا قبل از نابودی این رژیم وجود دارد عبارت است از اینکه فلسطینی‌ها بتوانند قدرتمندانه برخورد کنند؛ اگر قدرتمندانه برخورد کردند، احتمال اینکه طرف مقابل - که همین رژیم گرگ‌صفت خشن است - کوتاه بیاید، وجود دارد؛ کم‌اینکه الان دارند با همه‌ی توان دنبال آتش‌بس میگردند؛ یعنی بیچاره شدند. آدم‌کشی میکنند، کودک‌کشی میکنند، قساوت بیرون از حد و اندازه‌ی معقول بشری نشان میدهند، اما در عین حال عاجز هم هست؛ یعنی در یک محذور، در یک گرفتاری سخت گرفتار است؛ لذا دنبال آتش‌بس است. لذا بنده عقیده‌ام این است، این اعتقاد ما است که کرانه‌ی باختری هم مثل غزه باید مسلح بشود. دست قدرت [لازم است]. کسانی‌که علاقه‌مند به سرنوشت فلسطینند، اگر میتوانند کاری بکنند، کار این است؛ در آنجا هم باید مردم را مسلح کنند. تنها چیزی که ممکن است از محنت فلسطینی‌ها بکاهد، عبارت است از همین که دست قدرت داشته باشند، بتوانند قدرت‌نمایی بکنند؛ والا با برخورد رام و مطیع و سازش‌کارانه، هیچ کاری به نفع فلسطینی‌ها انجام نخواهد گرفت و از خشونت این موجود خشن و خبیث و گرگ‌صفت چیزی کاسته نخواهد شد.

دیدار وزیر امور خارجه، سفیران و مسئولان نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور با رهبر انقلاب / ۱۳۹۴/۰۸/۱۰

در مسئله‌ی فلسطین ما ضمن نفی رژیم غاصب و جعلی و محکومیت شدید فجایع و جنایات روزانه‌ی این رژیم، برگزاری انتخابات با حضور همه‌ی فلسطینی‌ها را پیشنهاد کرده‌ایم که با موازین جاری دنیا نیز کاملا منطبق است. ... هر دولتی از دل آرای ملت فلسطین بیرون باید تکلیف صهیونیست‌ها و ساکنان سرزمین‌های اشغالی را مشخص خواهد کرد البته در مخالفت با پیشنهاد منطقی ما گفته‌اند این به معنای فروپاشی رژیم غاصب است که طبیعی است این رژیم جعلی باید دچار فروپاشی شود.

بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام / ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

اگر شما مجاهدت کردید، قدرت خدا می‌آید پشت شما، لشکر بی‌عقبه، کاری نمیتواند بکند؛ لشکری که عقبه دارد، [نیروی] احتیاط دارد، نیروی ذخیره‌ی فراوان دارد، همه کار میتواند بکند. حالا اگر لشکری عقبه‌اش، ذخیره‌اش عبارت بود از قدرت الهی، این لشکر دیگر شکست‌خور است؟ امام این را به ما فهماند؛ فهماند که وقتی مجاهدت میکنید، وقتی تنبلی نمیکنید، وقتی وارد میدان میشوید، وقتی نیروهای خودتان را به صحنه وارد میکنید، اینجا قدرت خدا است که پشت سر شما است، [لذا] خرمشهر را خدا آزاد میکند. با این منطق، همه‌ی دنیای مسخر استکبار را هم خدا میتواند آزاد کند. با این منطق، فلسطین هم میتواند آزاد بشود. با این منطق، هر ملتی میتواند مستضعف نماند؛ به شرطی که این منطق تحقق پیدا کند. وقتی ما این منطق را داشتیم، شکست‌ناپذیر میشویم. وقتی با این منطق وارد میدان شدیم، ترس و مرعوب شدن [نخواهد بود]؛ قدرت نظامی یا تبلیغاتی یا پولی و مالی و اقتصادی قدرتها در مقابل ما، دیگر ترسناک و هولناک نخواهند بود؛ منکی هستیم به قدرت خدا.

بیانات در ششمین کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین / ۱۳۹۵/۱۲/۰۳

مشکل روند سازش فقط در این نیست که با کوتاه آمدن از حق یک ملت، به رژیم غاصب مشروعیت میدهد، که خود خطائی بزرگ و ناخوشودنی است، بلکه مشکل در آن است که اساسا هیچ تناسبی با شرایط کنونی مسئله‌ی فلسطین ندارد و خصلت‌های توسعه‌طلبانه و سرکوبگرانه و آزمندانگی صهیونیست‌ها را در نظر نمیگیرد؛ اما این ملت، با اغتنام فرصت توانسته است نادرستی ادعای مدعیان سازش را به اثبات رساند و در نتیجه، نوعی اجماع ملی در مورد روش‌های درست مبارزه برای احقاق حقوق حقه‌ی ملت فلسطین شکل گرفته است.

اینک مردم فلسطین در کارنامه‌ی سه دهه‌ی گذشته‌ی خود، دو الگوی متفاوت را تجربه کرده‌اند و میزان تناسب آن با شرایط خویش را دریافته‌اند. در مقابل روند سازش، الگوی مقاومت قهرمانانه و مستمر انتفاضه‌ی مقدس قرار دارد که دستاوردهای عظیمی برای این ملت داشته است. بی‌دلیل نیست که این روزها مشاهده میکنیم که از سوی مراکز معلوم‌الحال، «مقاومت»، مورد هجوم و یا «انتفاضه»، مورد سوال قرار میگردد. از دشمن انتظاری جز این نیست؛ زیرا به‌درستی این راه و ثمربخش بودن آن وقوف کامل دارد؛ اما گاه مشاهده میکنیم که برخی از جریانها و حتی کشورهایی که در ظاهر ادعای همراهی با مسئله‌ی فلسطین را دارند، ولی در حقیقت درصدند تا مسیر درست این ملت را منحرف کنند، به مقاومت حمله میکنند. ادعای آنان این است که مقاومت در پی چند دهه از عمر خود، هنوز نتوانسته است آزادی فلسطین را محقق سازد؛ پس این روش نیازمند بازنگری است؛ در پاسخ باید گفت؛ درست است که مقاومت هنوز نتوانسته به هدف غائی خود یعنی آزادی کل فلسطین دست یابد، لیکن مقاومت توانسته است مسئله‌ی فلسطین را زنده نگه دارد. باید دید اگر مقاومت نبود، اینک در چه شرایطی به سر میبردیم؟ مهم‌ترین دستاورد مقاومت، ایجاد مانع اساسی در برابر پروژه‌های صهیونیستی است. موفقیت مقاومت، در تحمیل یک جنگ فرسایشی به دشمن است، یعنی توانسته برنامه‌ی اصلی رژیم صهیونیستی را که سیطره بر کل منطقه بود، به شکست بکشاند. در این روند، باید بحق، از اصل مقاومت و سلحشورانی که در دوره‌های مختلف و از همان ابتدای اجرای پرده‌ی تاسیس رژیم صهیونیستی به مقاومت پرداختند و با تقدیم جان خود، پرچم مقاومت را برافراشته نگاه داشته و نسل به نسل آن را منتقل کردند، تجلیل شود. نقش مقاومت در دوره‌های بعد از اشغال بر کسی پوشیده نیست و یقینا نمیتوان حتی نقش مقاومت را در پیروزی ولو مختصر جنگ سال ۱۳۵۲ مصادف با ۱۹۷۳ میلادی نادیده انگاشت؛ و از سال ۱۳۶۱ مصادف با ۱۹۸۲ میلادی که عملا بار مقاومت بر دوش مردم داخل فلسطین قرار گرفت، مقاومت اسلامی لبنان - حزب‌الله - از راه رسید تا یاریگر فلسطینیان در مسیر مبارزاتی‌شان باشد. اگر مقاومت، رژیم صهیونیستی را زمین‌گیر نکرده بود، اینک شاهد دست‌اندازی آن به دیگر سرزمین‌های منطقه بودیم؛ از مصر گرفته تا اردن و عراق و خلیج فارس و غیره؛ آری این دستاورد بسیار مهم است، اما این تنها دستاورد مقاومت نیست و آزادی جنوب لبنان و آزادی غزه، تحقق دو هدف مرحله‌ی مهم در روند آزادی فلسطین به شمار میرود که توانسته است روند گسترش جغرافیایی رژیم صهیونیستی را معکوس گرداند. از اوایل دهه‌ی ۶۰ هجری شمسی مصادف با دهه‌ی ۸۰ میلادی به بعد، دیگر نه تنها رژیم صهیونیستی قادر نبوده است به سرزمین‌های جدیدی دست‌اندازی کند، بلکه عقب‌گرد آن با خروج ذلت‌بار از جنوب لبنان آغاز شد و با خروج ذلت‌بار دیگر از غزه استمرار یافت. هیچ‌کس نمیتواند منکر نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ی مقاومت در انتفاضه‌ی نخست باشد. در انتفاضه‌ی دوم نیز نقش مقاومت، اساسی و برجسته بود. انتفاضه‌ای که در نهایت، رژیم صهیونیستی را وادار کرد تا از غزه خارج شود. جنگ ۳۳ روزه لبنان و جنگ‌های ۲۲ روزه، ۸ روزه و ۵۱ روزه در غزه، همگی صفحات درخشان‌ی از کارنامه‌ی مقاومت است که موجب افتخار تمام ملتهای منطقه، جهان اسلام و همه‌ی انسانهای آزادی‌خواه جهان است.

پاسخ رهبر انقلاب به نامه آقای اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس / ۱۳۹۷/۰۱/۱۵

در روزهایی که شدت یافتن ظلم و قساوت دشمن صهیونیست در غزه، دل‌بستگان به مساله‌ی فلسطین را غمگین و خشمگین ساخته، لازم میدانم بار دیگر بر مواضع همیشگی جمهوری اسلامی در این مساله‌ی مهم که در صدر مسائل امت اسلامی است تاکید کنم. بیشک مبارزه و مقاومت تنها راه نجات فلسطین مظلوم و تنها نسخه‌ی شفابخش جراحات وارد بر پیکر آن ملت شجاع و سرافراز است.

...

امروز بازگشت به عزت و اقتدار برای امت اسلامی منحصر در گرو ایستادگی در برابر استکبار و نقشه‌های خیانت‌آمیز آن است، و مساله‌ی فلسطین در راس همه‌ی مسائل بین‌الملل اسلامی در مقابل استکبار است. حرکت به سمت مذاکره با رژیم فریبکار و دروغگو و غاصب، خطای ناخوشودنی بزرگی است که پیروزی ملت فلسطین را به عقب می‌اندازد و جز خسران عاید آن ملت ستم‌کشیده نمیکند. خیانت برخی سران عرب که اکنون به تدریج در حال آشکار شدن است نیز همین هدف را دنبال میکند. علاج این همه تقویت جناح مبارز و مقاوم در دنیای اسلام و تشدید مبارزه با رژیم غاصب و پشتیبانان آن است.

بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاهها / ۱۳۹۷/۰۳/۲۰

در همین قضیه‌ی رژیم اشغالگر، جمال عبدالناصر در آن چهل پنجاه سال پیش که شماها نبودید، شعار میداد که ما یهودی‌ها را میریزیم به دریا، یعنی [وقتی] میخواست علیه اسرائیل حرف بزند، میگفت یهودی‌ها را میریزیم به دریا؛ جمهوری اسلامی از روز اول چنین حرفی نزده؛ ما از روز اول طرح ارائه کرده‌ایم؛ ما گفته‌ایم که امروز دموکراسی و مراجعه به آرا عمومی یک شیوه‌ی مدرن و پیشرفته است که همه‌ی دنیا هم قبول دارند؛ بسیار خوب، برای تعیین نوع حکومت کشور تاریخی فلسطین، به افکار عمومی مردم فلسطین مراجعه کنید، یک رفرااندوم راه بیندازید؛ این، چند سال قبل به‌عنوان نظر جمهوری اسلامی و فکر جمهوری اسلامی به سازمان ملل گفته شده و در آنجا ثبت شده. این حرف ما است؛ آنها‌ی که واقعا فلسطینی‌اند -مثلا فرض کنید آنها‌ی که لاقال از صد سال پیش به آنطرف فلسطینی بودند، هشتاد سال پیش به آنطرف فلسطینی [بودند]؛ در فلسطین، هم مسلمان بوده، هم یهودی وجود داشته، هم مسیحی وجود داشته که فلسطینی‌اند- از این فلسطینی‌ها در هر جا که هستند، چه در خود سرزمین‌های اشغالی یعنی کل سرزمین فلسطین، و چه در خارج از فلسطین، نظرخواهی بشود؛ هر نظامی را که اینها معین کردند برای سرزمین فلسطین، آن نظام مورد قبول است؛ هرچه آنها خواستند. این نظر، نظر بدی است؛ این نظر، نظر پیشرفته‌ای نیست؟

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی / ۱۳۹۷/۰۲/۲۵

مثل همه کشورهای آزاد دنیا، مردم فلسطین -فلسطینیان واقعی- بایستی مورد سوال قرار بگیرند؛ چه مسلمانان، چه مسیحی‌شان و چه یهودی‌شان؛ آنهایی که فلسطینی‌اند، نه آنهایی که از جاهای دیگر وارد فلسطین شده‌اند. آرا آن کسانی که فلسطینی هستند باید مورد مراجعه قرار بگیرد و از آنها نظرخواهی بشود و آنها نظام حکومتی کشور فلسطین را معین کنند؛ آن نظام حکومتی نسبت به کسانی که وارد این منطقه شده‌اند، [یعنی] صهیونیست‌ها و روسایشان و بقیه، تصمیم خواهد گرفت. راه‌حل فلسطین جز این نیست و این همان نابود شدن و از بین رفتن رژیم باطل و جعلی صهیونیستی است که امروز بر سر کار است؛ و این امر به‌طور قطعی در آینده نه‌چندان دوری -نمیشود زمان معین کرد؛ آینده‌ای که خیلی دور نیست- قطعاً به حول و قوه الهی تحقق پیدا خواهد کرد. اگر این شد، ملت‌های مسلمان در این منطقه خواهند توانست ان‌شاءالله وحدت خودشان را به دست بیاورند.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی / ۱۳۹۸/۰۲/۱۵

امروز مسئله فلسطین جزو مسائل درجه‌ی اول بلکه مسئله اول دنیای اسلام است، آن وقت در بحرین اجلاس تشکیل می‌دهند به دستور آمریکا علیه مسئله فلسطین، برای نابود کردن مسئله فلسطین! حکام بحرین بدانند زیر پای خودشان را دارند خالی میکنند؛ گول سعودی‌ها را نخورند. خود اینها و سعودی‌ها هم دارند زیر پای خودشان را خالی میکنند، به ضرر خودشان [تمام میشود]: فسینفقونها ثم تکون علیهم حسره؛ (۱) پول خرج میکنند، زحمت میکشند اما بر خلاف خواسته‌ی آنها علیه خودشان تمام خواهد شد؛ این را قرآن به طور قطعی میگوید. و اینها هم علیه خودشان تمام میشود منتها نمیفهمند؛ متأسفانه نمیفهمند. [اگر] برگردند، راه برگشتن باز است؛ [اگر] توبه کنند، راه توبه باز است؛ الا الذین تابوا و اصلحوا؛ (۲) [اگر] اصلاح کنند؛ آن فسادهایی را که ایجاد کردند اصلاح کنند. امروز دنیای اسلام به این نیاز دارد. مشکلات دنیای اسلام با همراهی مسلمانان با هم، با همدلی مسلمانان با هم حل خواهد شد؛ باید برای این تلاش کرد، و روشنفکران دنیای اسلام موظفند، علمای دنیای اسلام موظفند.

ما در جمهوری اسلامی، هزینه‌های دفاع از فلسطین را پذیرفتیم. گفتیم از فلسطین دفاع میکنیم، دنیای استکبار در مقابل ما ایستاد و ضربه زد اما ما استقامت کردیم، ایستادیم، باز هم خواهیم ایستاد، و مسلم میدانیم که پیروزی نهایی متعلق است به ملت فلسطین.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی / ۱۳۹۸/۰۲/۱۵

ما مثل بعضی از رهبران قدیمی عرب که گفتند یهودی‌ها را به دریا میریزیم، اهل به دریا ریختن یهودی‌ها نیستیم. ما میگوییم مبارزات همه‌جانبه‌ی ملت فلسطین - مبارزات سیاسی، مبارزات نظامی، مبارزات اخلاقی و فرهنگی- باید ادامه پیدا کند تا کسانی که غاصب فلسطین هستند، تسلیم رای ملت فلسطین بشوند. از همه‌ی مردم فلسطین اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی فلسطینی و آن کسانی که در خارج فلسطین تبعیدشده‌ی از فلسطین هستند، نظرخواهی بشود، و اینها معین کنند که چه نظامی در فلسطین حاکم باشد و همه تسلیم آن باشند؛ مبارزه تا این زمان باید ادامه پیدا کند و ادامه خواهد کرد، و به لطف الهی و به توفیق الهی و به حول و قوه الهی ملت فلسطین در این مبارزه‌ی مسالمت‌آمیز انسانی مورد قبول همه‌ی عرفهای عاقل عالم مسلط خواهد شد و کشور فلسطین به مردم فلسطین برخواهد گشت؛ و به توفیق الهی، شما جوانان ان‌شاءالله آن روز را خواهید دید.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۹۸/۱۱/۱۶

علاج [مسئله فلسطین] چیست؟ علاج عبارت است از ایستادگی و مقاومت شجاعانه. ملت فلسطین و عناصر فلسطینی و سازمانهای فلسطینی بایستی با جهاد فداکارانه‌ی خودشان، عرصه را بر دشمن صهیونیست و بر آمریکا تنگ کنند؛ راهش فقط این است و همه‌ی دنیای اسلام هم باید به اینها کمک کنند؛ همه‌ی ملت‌های مسلمان باید از فلسطینی‌ها پشتیبانی کنند و حمایت کنند؛ این علاج است. البته عقیده‌ی من این است که سازمانهای مسلح فلسطینی خواهند ایستاد، مقاومت را ادامه خواهند داد؛ راهش مقاومت است.

...

اما علاج اساسی و زیربنایی مسئله فلسطین، همان مطلبی است که ما چند سال قبل گفتیم و در مراکز مهم بین‌المللی هم این ثبت شده است؛ از همه‌ی مردم فلسطینی‌الاصل، نه آن که مال فلان کشور است و آمده در منطقه فلسطین ساکن شد، آن که اهل فلسطین است و از هر مذهبی - چه مسلمان، چه مسیحی، چه یهودی؛ چون بعضی از فلسطینی‌ها مسلمانند، بعضی مسیحی‌اند، بعضی یهودی‌اند - نظرخواهی بشود و نظام مورد قبول آنها سر کار بیاید و آن نظام بر تمام سرزمین فلسطین [حکومت کند]، نه فقط فرض کنید که مربوط به آن محدوده‌ی به قول خودشان سرزمین‌های اشغالی؛ یک بخشی از فلسطین را میگویند سرزمین اشغالی؛ در همه‌ی فلسطین، یک حکومتی با رای عمومی مردم باید سر کار بیاید که درباره‌ی مسائل فلسطین تصمیم‌گیری کند، درباره‌ی امتال نتانیا‌هو و دیگران هم خودشان تصمیم‌گیری کنند. اختیار دست آنها است. این تنها راهی است که برای صلح در فلسطین و حل مسئله فلسطین وجود دارد.

سخنرانی تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس / ۱۳۹۹/۰۲/۰۲

فلسطین متعلق به فلسطینیان است، و باید با اراده‌ی آنان اداره شود. طرح همه‌پرسی از همه‌ی ادیان و اقوام فلسطینی -که از نزدیک به دو دهه پیش از این ارائه کرده‌ایم- تنها نتیجه‌ای است که باید بر چالش‌های امروز و فردای فلسطین مترتب شود. این طرح نشان میدهد که ادعای یهودی ستیزی که غربیان با بوقهای خود آن را تکرار میکنند، بکلی بی‌اساس است. در این طرح، فلسطینیان یهودی و مسیحی و مسلمان، در کنار هم در یک همه‌پرسی شرکت و نظام سیاسی کشور فلسطین را تعیین میکنند؛ آنچه قطعاً باید برود نظام صهیونیستی است و صهیونیسم، خود بدعتی در آئین یهود و کاملاً بیگانه از آن است.

